باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت: ٤٤٠٣

رده‌بندی دیویی: ١٣٢١ ز ت / ک ٥٤٧ ت ٦١٨/٢

سرشناسه: ثریاکیان

عنوان قراردادی:

عنوان: کتاب ماما

کاتب: محمدعلی بن حاج شمس الکتاب تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ١٣٢١ ق.

صفحه شمار: ١٤٣ ص. مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ١١×١٧ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

توضیحات: نامعلوم تاریخ ثبت: دی ١٣٦٥

یادداشتها: عنوان دیگر: تعلیم القوابل
این کتاب ترجمه از زبان فرانسه به فارسی است

موضوع(ها): ١. آبستنی ـ به زبان ساده. ٢. زایمان ـ به زبان ساده. ٣. مامایی.

شناسه(های) افزوده: الف. زبردست خان، مترجم. ب. محمدعلی بن شمس الکتاب، کاتب. ج. عنوان.

فهرستگار: [امضا] تاریخ فهرستگاری: فروردین ٨٩

اسم ک...
مصنف
مؤلف
خطی
چاپی
سال چ...
جزء ک...
شماره...
واقف
طول...

٤٧١٩

۱۴۵۵۹۲
۶۱۸۱۲
۲۷۶ ک
آستان قدس
کتابخانه آستانقدس
اسم کتاب کتاب ملما (تعلیم القوابل) طب
مصنف
ترجمه معتمد السلطان دکتر میرزا سید خان
مؤلف
خطی
تهران ۱۳۲۱ ق
چاپی
سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ....
جزء کتب .... شماره خصوصی ....
شماره عمومی ۴۴۰۳ .... شماره قبض ....
واقف .... تاریخ وقف ....
طول ۱۷ عرض ۱۱ شماره صفحات ۱۴۴
۴۷۱۹

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
(ویژه کتاب)

کتاب ماما

ترجمهٔ معتمد السلطان
دکتر زبردست خان
تربیت یافتهٔ عهد مظفری

۱۳۲۱

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
شماره ثبت موقت ۴۳۱۵
تاریخ ۶۵ / /

تعلیم القوابل

(مقدمه)

چند نفر از دوستان خواهش نمودند که دستور مختصری درباره آبستنی و وضع حمل ترتیب نمایم که در آن موقع خطر از تدابیر لازمه غافل نباشند بعد از قبول با خود اندیشه کردم پس از آنکه انسان زحمتی بکشد و ترتیب صحیحی فراهم نماید بهتر آنست که عام باشد نه خاص لهذا برای فایده عامه در صدد برآمده که رساله جامعی در این علم ترتیب داده شود که بندگان خدا علی العموم از این علم شریف بهره مند شوند پس از این تفکر رساله بزبان فرانسوی نوشتم محض سهولت فهم تمام

مردم اهل مملکت یکی از شاگردان مستعد خود را گماشتم که این رساله را بزبان فارسی نقل و ترجمه نماید پس از اتمام ترجمه از نظر بعضی از اطباء کامل و عالم نیز گذرانیده بر صحت ترجمه آن تصدیق کردند در شهرهای بزرگ از قبیل طهران و اصفهان و تبریز مانند آنها وجود اطباء و بودن ادویه جات نقایص این کار را میتوانند از عهده بر آیند ولی در جاهای دیگر خاصه در دهات بواسطه نقصان و عدم طبیب اغلب در معرض خطرند و ما این رساله را بطوری صحیح و ساده نوشتیم که مردمان بی سواد و زنها و غیره مطالب آن را بخوبی درک کرده و اجراء نمایند و نیز بعوض جوهریات مختلفه که حالیه

در میان اطباء معمول است اغلب دواهای طبیعی
و کثیر الوجود را که همه وقت در تمام جاها موجود
است قرار داده‌ایم آنچه مظنون این جانب است گویا
تاکنون در این فن شریف کسی در ایران کتابی
تالیف یا ترجمه نکرده است امید است که این نسخه
مطلوب عامه واقع شود انشاءالله در آینده مفصل‌تر
و کاملتر چاپ خواهد شد در ترتیب این رساله
هیچ گونه فایده شخصی منظور نبوده است فقط
محض خدمت بنوع که بعدها از مفاسد و معایب
و امراض زایمان وغیره محفوظ باشند بعون
الله تعالی

مترجم گوید برحسب اشاره جناب دکتر تریاکیان
این بنده (زبردست خان) طبیب که یکی از تربیت
یافتگان عهد مظفری است این رساله را

از زبان

از زبان فرانسه بزبان فارسی ترجمه کرده
امید است که علمای این علم شریف بچشم اصلاح
و عفو نظر نمایند اگر خطائی یا سهوی رفته است
در صدد اصلاح برآیند نه اینکه زبان شماتت
گشایند

فهرست کتاب

کتاب اول در حمل

فصل اول علائم حمل

اولاً علائم احتمالی (۱) قاعده
(۲) احساس عوارضات (۳) برآمدگی شکم
(۴) احساس حرکات موقتی خود زن آبستن

ثانیاً علائم محقق و ثابت

(۱) احساس حرکت طفل در رحم (۲) ضربانات
قلبی طفل

فصل دوم

فصل دوم

حفظ الصحه و مواظبتهای زمان حمل

اولاً حفظ الصحه

ثانیاً مواظبتهای هنگام حمل

(۱) تهیه آجامی (۲) نزف الدم (۳) تهیج (۴) حالت قی

فصل سوم

در سقط جنین

اولاً اسباب سقط

(۱) اسباب فیزیکی (A اسباب خارجی B اسباب داخلی a امراض حاده که دوائی) (۲) اسباب نفسانی

ثانیاً مخاطرات سقط جنین

(۱) گیر کردن جفت در رحم (۲) متعفن شدن مدفوعات

مدفوعات رحمی

کتاب دوم در زایمان

فصل اول

اولاً اتفاقات زایمان

(۱) نزف الدم و تشنج (۲) اجباد (۳) احتباط مرض امعاء غلاظ (۴) مقاومت اجزاء لین

ثانیاً ظهور A ظهور سر.

(۱) رفتار در حالت نگاهداری (۲) التوای نخاع (۳) استخلاص کتفین (۴) پیچیدن حبل ناف بدور گردن

B ظهور مقعد

(۱) اشکال بازوها (۲) اشکال سر (A) التوای بداخل (B) استخلاص صورت در سمت فوق واقع شود که صورت در سمت تحت واقع شود

ثالثاً

ثالثاً پاها

رابعاً بازوها

(۱) حرکت بخارج (۲) حرکت بداخل

خامساً سقوط

فصل دوم

فارغ شدن

اولاً رفتار و حالت نگاهداری ثانیاً حالت

فارغ شدن

(۱) توقف جفت در رحم (۲) گیر کردن جفت
ه غلغلک دادن گلوی زائو که انداختن
چیزهای سرد ح استخراج (۲) نزف الدم
ه هوای سالم که خنک کردن هوای اطراف
مریض ح آبدزدک آب نیم گرم که دادن ازگو
ع راحت و خوابیدن افقی که مشروبات ترش

ع ادویه محرکه

فصل سوم

جدید الولاده

اولاً دقتهای ابتدائی

(۱) اطمینان از بستن حبل ناف (۲) پاک کردن
سوراخهای بینی (۳) تخلیه کردن تمام سوراخهای
طبیعی (۴) ممانعت از برای ملاصق شدن پوست
بدن بیکدیگر

ثانیاً عوارضات جدید الولاده

(۱) اختناق ه ورش آب سرد که هوای سالم ح
جاری کردن خون از حبل ناف که دمیدن هوا
بسینه طفل ح بیرون کشیدن زبان طفل که
فشار جزئی بروی سینه طفل (۲) غشی ه
بستن حبل ناف که حمام آب گرم ح پیچیدن
طفل

طفل d زدن طفل با دست و حوله و غیره

e وزیدن هوا در سینه طفل

کتاب سوم

فصل اوّل

تب نفاسی

(۱) تنهائی مریض (۲) پاکیزگی (۳) هوا و نور (۴) جریان هوا (۵) قدغن عبور و مرور دیگران (۶) آنهائی را که عوض نما (۷) بیت الخلاء و نظم اطراف (۸) نظافت پرستار مریض (۹) دور کردن پارچه‌ئی که برای جراحت بند که بکار رفته است (۱۰) شستن پارچه‌های جراحت بندی (۱۱) آب مشروب مریض (۱۲) جراحت بندی (۱۳) عمل کردن مزاج (۱۴) تغذیه (۱۵) قدغن از برای اشخاصی که از منزل زائوی مرده بمنزل

زائوی

زائوی تازه زائیده میآیند

فصل دوّم

ترکیبات تب نفاسی

A ترکیبات سبک

(۱) درد خیلی سخت (۲) بند آمدن مدفوعات رحم بواسطه لخته خون (۳) عفونت مدفوعات رحم (۴) تبیه e امراض حادّ متعادی c جراحت e تیباجامی d تب نفاسی

فصل سوّم

شیر دادن

(اوّلاً) شیر دادن طبیعی A فوائد شیر دادن طبیعی

B قانون و طریقهٔ شیر دادن (۱) مقدار شیری که هر دفعه باید داده شود (۲) فاصله میان هر دفعهٔ شیر دادن

ثانیاً

(ثانیاً) دایه و شرائط انتخاب دایه

(ثالثاً) شیر A در باب شیر B شرائطی که بمقدار و صفت شیر تعلق میگیرد

کتاب اول در باب حمل

فصل اول

(علامات حمل)

(۱) علائم احتمالی — اولاً حبس طمث (بند آمدن قاعده) در زمانی که استعداد حمل داشته باشد علامتی است از برای حمل ولی علامتی است احتمالی نه علامت یقین زیرا که حبس طمث ممکن است از علل کثیره اتفاق افتد که ربطی بحمل نداشته باشد زنها عموماً و زنهای قابله خصوصاً از هر جهتی که حبس طمث اتفاق افتد نسبت میدهند بحامله بودن و حال آنکه ممکن است

از جهت دیگری غیر از حمل باشد ممکن است زنی
حامله باشد و خون از او دفع شود لیکن این خون
اختلاف کلی دارد با خونی که در موقع طمث
دفع میشود (غالباً از اینها اشتباه میکنند این خون را
خون قاعده فرض میکنند و گویند فلان زن
در صورتیکه حامله است باز قاعده میشود)
اگر با بودن حمل واقعی خون دفع شود اغلب
غیر از قاعده است زیرا که خون قاعده همیشه
بکمیت و کیفیت و در زمان معین اتفاق افتد
و حال آنکه خون غیر قاعده از حیث کمیت و
کیفیت لاینقطع متفاوت شده و هر لحظه حالتی
اخذ نماید که دو دفعهٔ سابق نداشته است
از جهت رنگ و چه از جهت مقدار و چه از جهات
دیگر مثلاً چند روزی جریان کرده بعد بکلی

قطع میشود و باز بعد از چند روز دیگر جاری
شده مجدداً قطع میشود در هر ماهی بسا اتفاق
افتد که چهار پنج دفعه جاری شده در ماه
دیگر بیشتر در ماه دیگر کمتر در هر صورت
بطور مختلف جاری میشود ولی خون قاعده
بوقت معین در هر ماهی یک مرتبه حاصل شود
گاهی اختلاف جزئی در روز پیدا شود هر زنی که
قاعده شود احتمال کلی دارد که حامله نباشد
(دوم) اغتشاش ذائقه خارش پستان تغییر
حالت احساسات مختلفه در اعضا مختلفه
بعضی عوارضات دیگر ممکن است علامت
حمل باشد ولی باز هم علامت ثابت نمیباشد
(سیم) برآمدگی شکم نیز یکی از علامات حمل
است ولی آنهم علامت ثابت نیست زیرا که در

امراض دیگر نیز ممکن است شکم بر آمدگی داشته باشد

(چهارم) در ماهِ چهارم و پنجم اگر خود زن حرکت طفل را در رحم احساس نماید وجود حمل قریب بیقین میشود

(۲) علائم ثابت و محقق حمل — اولاً اگر زن را بر پشت خوابانیده و کپی دستش را در آب سرد فرو کرده بسرعتی که برودت آن زایل نشود روی شکم زن حامله بگذارد در این حال اگر حرکت طفل احساس شد یقین میشود که حامله است اگر زن را به پشت خوابانیده و گوش را بروی شکم زن بگذارند هرگاه صدای ضربانات قلب طفل با ضربانات نبض مادر که مختلف الزمان است احساس شود دیگر شکی در وجود

حمل نیست اگرچه این امتحان بسیار مشکل است ولی باز ممکن است زنهای باهوش با کثرت عمل و مواظبت بتوانند گوش خود را بشناختن اصوات قلبی طفل عادت بدهند

برای این عمل باید در سمت راست زن حامله که بر پشت خوابیده است قرار گرفت و گوش را بقدری که ممکن است بشکم زن حامله چسبانیده بلکه قدری هم فشار داد پس صدای ضربانات قلبی طفل از رحم شنیده میشود

اغلب اتفاق افتد که صدای آورطای بطنی مادر (رگی که در داخل شکم مادر موجود است) با صدای قلب طفل اشتباه میشود برای دفع این اشتباه همان قسم که گوش را بشکم مادر چسبانیده اند با یک دست نبض مادر را

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
(ویژه کتاب)

گرفته حرکت نبض مادر را با صدای قلب طفل
که از شکم مادر شنیده میشود مطابقه نمایند
اگر حرکت نبض هم زمان مطابق شد با صدائی
که از شکم مادر شنیده میشود صدای آورطه
بطنی است ولی اگر حرکت نبض با صدای داخل
شکم مختلف الزمان باشد معلوم میشود که
صدای داخل شکم صدای قلب طفل است دیگر
آنکه صدای قلب طفل اختلاف کلی دارد با
حرکت نبض مادر یعنی یک ضربه نبض مادر مقابل
است با پنج یا شش ضربه قلب طفل پس با تمام این
علائم وجود حمل ثابت معین شده و دیگر اشتباهی
باقی نمیماند
بعلاوه باید دانست که قلب طفل در رحم ضربانش
از نبض مادر خیلی سریعتر است و تقریباً در

هر دقیقه از ۱۲۰ تا ۱۵۰ تا ۲۰۰ مرتبه است و حال
آنکه نبض مادر در هر دقیقه ۷۰ تا ۷۵ تا ۸۰
بیشتر مرئی نمیشود ولی هر قدر زمان تولد
طفل نزدیک میشود ضربان قلب او نقصان نماید
تا هنگام تولد که ۱۲۰ میشود این حالت سرعت
در نبض طفل جدید الولاده تا مدت مدیدی
باقی مانده و نباید آن را با نبض جوانان مقایسه
کرد زیرا که نبض جوانان بسیار بطیء تر از نبض
اطفال است

فصل دوم
در حفظ الصحه و مواظبت هنگام حمل

اولاً — حفظ الصحه

لازم ترین حفظ الصحه از برای زنان آبستن این
است که در هنگام آبستنی حتی الامکان بطور

که پشه زیاد داشته باشد احتراز نموده در پشه
بند بخوابد پس از تغییر مکان بعوض آب معمولی
باید آب جوشیده بخورد و غذاهای سالم کثیر الغذا
باید استعمال نماید اگر ضعف بنیه هم داشته باشد
در شبانه روزی مقدار قلیلی شرابهای بوم
ساده که عاری از تمام دواها باشد بخورد
اما در باب استعمال گنه گنه و ترتیبات آن احتیاط
بسیاری لازم است هرگاه استعمال گنه گنه
لزوم یافت دفعه اول پنج گندم گنه گنه دو
ساعت قبل از وقت خواب بخورانند اگر فائده
کرد تا چند روز همین مقدار در همین موقع باید
بدهند ولی اگر فایده نکرده و این مقدار گنه گنه را
بدون عارضه تحمل نماید باید بیشتر استعمال
نموده دو برابر کنند بلکه ممکن است بهمین ترتیب

(زیاده

راحتی زندگانی نماید و بطور منظم رفتار کرده
همه وقت در حالت خرمی بوده از عوارض
نفسانیه و حرکات شدیده احتراز نماید یعنی زن
آبستن باید از تمام چیزهائی که اسباب ناراحتی
خیال و اغتشاش حواس میشود پرهیز نموده از
کارهائیکه اسباب خستگی بدنی یا خستگی مشاعر
میشوند اجتناب جسته حرکات صعب و بلند کردن
چیزهای سنگین از برای او مضر است
(ثانیاً) احتیاطات لازمه هنگام حمل
(۱) اگر زن آبستن به تب و نوبه مبتلا شود بلا
تأمل منزل او را باید تغییر داده در جای مرتفع
منزل او را باید قرار داد که اطراف او آزاد و
باز باشد و آبهای راکد در اطراف او نباشد
(آبهای راکد یعنی مردابی وغیره) و همین قسم از نقاطی

که پشه

زیاد نمایند تا وقتی که بقاعده اثر نموده و
تب رفع شود

ضمنا باید دانست که گنه گنه اثر مخصوصی دارد
در تحریک رحم و تقریبا با سکلر کورنه (دوائیکه
که برای اعانت خروج جنین بکار میرود) هم اثر
ولی ضعیف تر از آن است اغلب اوقات دیده
شده است استعمال گنه گنه بطور بی احتیاطی
و مقدار زیاد سبب سقط جنین شده است
ولی باید ملتفت اختصاص مزاجی هم شد بانها
از مقدار کثیر گنه گنه هیچ نوع متأثر نمیشوند
و بعضی دیگر از مقدار قلیل آن فوق العاده
متأثر میشوند پس بهتر آن است که مقدار قلیلی
استعمال شود اگر تحمل نمود بتدریج افزوده
شود خود من اغلب اوقات در این حالات عصاره

مایع

مایع گنه گنه را برای تقویت مزاج و رفع تب
تجویز کرده ام

(۲) وقتی که در هنگام حمل خون دفع شد و
دردی فاصله بفاصله ظاهر میشود روی
دهد که در ابتدا فاصله دردها زیاد و بعد
بتدریج کم شده این درد بسمت پشت کشیده
شود باید حدس زد که احتمال سقط رفته
در این صورت باید او را به پشت خوابانید و
از تمام حرکات او را منع نمود بقدر یک گندم
تریاک باو بخورانند این عمل در صورت لزوم
دو تا چهار دفعه در بیست و چهار ساعت
مکرر شود و اگر لادانوم یافت شود بهتر آنست
که پانزده قطره از آن را در دوازده تا پانزده
مثقال آب جوشیده داخل کرده تنقیه نمایند

و هرگاه

وهرگاه لازم یافت شود در هر مرتبه میتوان
سه گندم تریاک را در آب جوشیده حل کرده
تنقیه کنند و میتوان این تنقیه را یک مرتبه صبح
ویک مرتبه عصر مجری داشت

میتوان استعمال آب سرد در زهدان انداخته
واین عمل را مکرر نمود اگر خون باین اعمال قطع
نشد یک قطعه یخ یا کبره در مجری بگذارند
اگر زن حامله قوی البنیه باشد باین اعمال
بیفزاید خون گرفتن را ولی رگ باسلیق بزند
اشکال خون گرفتن اینست مقدار خونی که باید
گرفت از دو الی سه سیر است اگر سیلان خون
زیاد باشد که اسباب خطر از برای زن باشد
باید پارچه از تافته سفید یا کبره که بطول
سه لا و پهنای سه انگشت یا چهار انگشت
باشد

باشد در محلول نمک طعام یا محلول زاج غیر مکلس
اگر یافت شود فرو کرده بعد او را در مجری
وارد نمایند بحدیکه دیگر داخل نشود این
عمل باید بچابکی و مهارت مجری شود و برای
اجرای این عمل با انگشت یا دسته قاشق خیلی
پاک و صاف که مجرا را نخراشاند مجری شده
بقدری فشار دهند که ما بین طبقات تافته
فضائی باقی نماند ولی نه تا آن حد که اسباب
پاره گی و خراش شوند و آن تافته را باید
همان محل باقی گذارند تا آنکه جریان خون بکلی
قطع شده و یا آنکه عمل سقط جنین روداده
در این صورت بدیهی است که جنین با آن پارچه
با التمام دفع و خارج میشوند هرگاه پس از
سقط جنین باز جریان خون باقی و اسباب
خطر

خطر و تشویش باشد باید قطعات یخ در مجرای
نهاده و لاینقطع دستمالهای آب سرد
بزیر شکم بنهند

(۳) غالباً دیده میشود که ورم دست و پاهای
زن آبستن یا در پشت پلکهای چشم وی
ظاهر شده ولی محتاج بمعالجه نیست مگر
آنکه روزی دو یا سه استکان شیر گاو بدهند
که رفع ورم خواهد شد

ولی اگر ورم زیاد و روز بروز افزوده شد
اختلال در عمل چشم پیدا شود در صدد معالجه
برآمده و تمام غذاها و آشامیدنیها را
منع کرده و بجای آنها شیر گاو بدهند اگر زن
آبستن قوی البنیه باشد در هر ماهی دو
مرتبه رگ بزنند و هر دفعه مقدار کمی خون

گرفته دادن مسهل بمقدار قلیل و مکرر یعنی
هر دو سه روز یکمرتبه کمتر از خون فایده
نخواهد داشت از قبیل سناء مکی شیرخشت
ترنجبین و ریوند با یک گیلاس آبهای معدنی
ملحی بدهند

بهترین تمام مسهلات و مفیدتر از همه کالمل
است و فواید بسیار از آن ظاهر شده لکن
ولی باید از تکرار آن احتیاط کرد زیرا که
این را مثل سایر مسهلات نمیتوان مکرر کرد
مگر بفاصله بسیار مثلاً در هر هفته یک
مرتبه باید استعمال نمود قدر شربت آن دو
سه نخود است و در فاصله دو سه هفته
باید بدواهای دیگر که ذکر نمودیم
اعانت جست

هرگاه مکانی باشد که هیچ قسم مسهل حتی
روغن کرچک هم یافت نشود سه مثقال نمک
طعام را در یک گیلاس آب حل کرده بخورانند
ممکن است این دوا را در هر هفته دو مرتبه
تکرار کرد

با تمام این دقت و احتیاطها اگر حالت تشنج
ظاهر شد نباید از سقط جنین ترسید بلکه
از برای نجات مادر باید اعانت در سقط
جنین نمود استحمام تمام بدن روزی دو سه
مرتبه بسیار مفید است اگر قوی البنیه باشد
رگ زدن از دست و پا بهترین وسایل است بلکه
رگ زدن از پا بر دست ترجیح دارد
در این موقع تعریق مصنوعی بدن نیز خالی از
فایده نیست ظرفی از آب جوش پر کرده در زیر

پوشاکی از قبیل لحاف وغیره بگذارند و مریض را
در زیر آن بالاپوش قرار داده بقسمی که سر مریض
در زیر بالاپوش نباشد زیرا چون سر مریض
در زیر بالاپوش باشد در هوای آزاد تنفس
نکرده و اسباب خطر خواهد بود بقدری
مریض را در زیر آن بالاپوش نگهدارند که
بدن مریض زیاد عرق نماید

اگر با تمام این رفتارها سقط جنین حاصل
نشد باید بوسائط دیگر اعانت جست زیرا
که استخلاص مادر منحصر باین راه است

(۴) یکی از علائم ممیزهٔ حملی است که متعاقباً
از ماه سیم ظاهر و بتدریج افزوده میشود
تا آخر ماه پنجم از آن بتدریج کم میشود و گاهی
تا نزدیک حمل باقی است

وقتی که قی و عوارضات آن بروز نموده و
اسباب اذیت شد باید از مطلق چربی احتراز
کرده غذا کم و بوقتهای غیر منتظم خورده
در هر ربع ساعت یا نیم ساعت یک قطعه
کوچک یخ بلعیده مخصوصاً قبل از غذا و
بعد از غذا تقریباً غذا باید منحصر باشد به آب
گوشت بی چربی و شیر و دوغ همه وقت
غذاهای سرد بخورد و این غذاها نباید
بحد افراط خورده شود بلکه حتی الامکان
بمقدار قلیل بخورند سایر اقسام غذا و دوا
روی دو غذاهای مجوزه اسباب ضرر شد
بنا اتفاق افتاده آنها بلکه برخلاف این دستورها
رفتار کرده خود و طبیب را بزحمت فساد انداخته
اسباب مزاحمت شده اند غذاهای جامده و شورباها

پنیرهای برشته بسیار صلاحیت دارد نباید
هیچ وقت زنان حامله را مجبور به پرهیز کرده
بلکه تا حدی اختیار غذا و انتخاب آن را بمیل آن
واگذار نموده هر گاه چیزی را میل کند بزودی
باید فراهم کرده هیچ وقت مانع نشوند
برای دفع تهوع وقی گذاشتن چیزهای سرد و
انداختن مشمع خردل در محل معده فواید
بسیار دارد میتوان در این موقع عصاره
ما یعنی تریاک بمحل معده مالیده و هر سه چهار
روز یک مرتبه این عمل را تجدید نمود ولی
تنتورید بهتر از دواها است اگر یافت شود
هر سه روز یا چهار روز یک دفعه این عمل را
مجری دارند این دوا را از داخل هم ممکن است
بخورانند ابتدا سه یا چهار قطره تنتورید را

در یک سیر آب مخلوط کرده بتدریج در هر ربع
ساعت یک جرعه بخورند و بر حسب اثر این دوا
که اگر مفید واقع شد بهمین مقدار اکتفا کرده
و الا در روز سه چهار مرتبه بهمین مقدار بنوبه
در همین مقدار آب حل کرده بهمان وضع بخورانند
اگر این دوا یافت نشود بجای او پوست سبز گردو
استعمال کنند روزی چند مرتبه هر دفعه چند
قطره شیره پوست گردو را در یک استکان آب
مخلوط کرده بخورند اگر فصل پوست سبز نباشد
پوست خشک آنهم میشود که یک پوست سبز
خشک گردو را در یک گیلاس آب دم کرده بعد از
نیم ساعت بتدریج جرعه جرعه بخورند.
لیموناد که از آب لیموی ترش ساخته باشند و
کم شیرینی باشد نیز مفید است اگر مایل باشند

آب خود لیموی ترش را هم ممکن است بمکند
ارسال زلوسه تا شش دانه در کودال زیر
سینه اگر قوة البنیه باشد مفید است اگر در
بوقت معین بطور نوبه عارض و دفع شود باید
گنه گنه استعمال شود به ترتیب فقد دستوریکه
در صفحات قبل شرح آن را مفصل ذکر کردیم

فصل سیم
در سقط شدن جنین

(اولاً) اسباب سقط جنین – دو قسم اسباب
از برای سقط جنین قائلند یکی فزیکی و دیگری
نفسانی

(۱) اسباب فزیکی – بر دو قسم است یکی خارجی
دیگری داخلی

اسباب خارجی تمام جرثقیلی و اتفاقی است

از قبیل جستن و افتادن و راه رفتن سریع
بلند کردن بارهای سنگین رقص وغیره

(۲) اسباب داخلی آن نیز بر دو قسم است مرضیه
یا دوائی

اسباب مرضیه — مخصوصاً امراض حاده و حمیات
که حالت انقلاب عمومی در بدن حاصل میکنند
و بدن را از اعمال طبیعیه خود باز داشته
مستعد سقط جنین مینماید از این قبیل است
تبهای محرقه و مطبقه و تبهای بثوریه و تبهای نوبه
یا تب دائمی کاذب باد سرخ مخصوصاً وقتی که
تمام بدن را مبتلا نماید کوفت و سیاه سرفه
عموماً تمام امراض سینه که همراه باشد با
حمله های شدید سرفه و بسیاری از امراض دیگر

اسباب دوائی — غالباً دواهای محرکه اسباب

سقط

سقط جنین میشوند کلیةً در این دواها بلکه
تمام اقسام دوا احتیاط کلی لازم است زیرا
که اغلب دیده شده دوائیکه غیر محرک بوده است
و اسباب سقط جنین نمیشدند در بعضی از
زنها بر حسب حالت و عادت مزاجی سبب سقط
جنین شده است کلیةً از ترکیبات قویه خصوصاً سمیه
احتیاط کلی لازم است از قبیل شبه قلیائیات
و املاح آنها چه بسیار دیده شده است که علی الظاهر
دوا بی ضرر است مثلاً یک گیلاس آب معدنی مسهل
یا یک قاشق روغن کرچک که در ظاهر ضرری ندارد
ولی اغلب اسباب سقط جنین شده است

(ثانیاً) اسباب نفسانی آنهائی هستند که تحریکات
و تزلزل سلسله عصبانی را سبب میشوند از این
قبیل است ترس غصه مخالفت زیاد خوشحالی زیاد

همه

غم و غم فوق العاده خوابهای هولناک خوردن
من بسیار دیده‌ام که زنی در شب خواب هولناک
دیده است و صبح جنین را سقط کرده است

بر تمام این اسباب باید افزود سببی را که اهمیت
آن از تمام اینها بیشتر است و آن این است که اگر
زنی در حمل سابق بسبب یکی از این اسباب حمل را
سقط کرده است در حملهای لاحقه نیز همه وقت
در معرض سقط جنین واقع است خصوص اگر
حمل قریب به یکدیگر واقع شود مثلاً از روی
حساب در صدی نود مرتبه که بنسبت ده یک
میشود سقط خواهد شد مگر اینکه رحم را
چندی راحت بگذارند آنوقت ممکن است این
حالت دیگر اتفاق نیفتد هر قدر سقط مکرر
شود استعداد سقط جنین بیشتر میشود بهتر

دواها از برای پیش بینی و جلوگیری آنستکه
یک سال دو سال یا بیشتر اسباب حامله شدن را
فراهم نیاورده رحم را راحت بگذارند

(۲) مخاطرات سقط جنین

باید دانست که سقط جنین از برای زن بدرجات
خطرش از زائیدن طبیعی بیشتر است زیرا که زائیدن
عملی است طبیعی و غیر خطیر و حال آنکه سقط جنین
عملی است بر خلاف طبیعی و اتفاقی که اسباب
مخاطرات کلیه میشود

خطرهائیکه از سقط جنین حاصل میشود سه قسم
است یک قسم مقدمه که قبل از سقط جنین
بروز میکند یکی مصادف که در هنگام سقط
جنین ظاهر میشود سیمی متمم که بعد از سقط
جنین روی دهد اگر چه از این مقدمه در

فصل وضع حمل شرح خواهیم داد ولی در اینجا
نیز تا حدی آنچه را که مناسب این موقع است باید
شرح دهیم

(۱) اتفاق افتد که در هنگام سقط جنین از رحم
خارج شود و جفت در رحم بماند در این هنگام
هیچ قسم جد و جهد لازم نیست ولی باید مواظب
بود موادی که از رحم خارج میشوند عفونت
پیدا نکنند اگر خارج نشدن جفت در هنگام
زائیدن طبیعی اتفاق بیفتد اسباب خطر است
ولی در هنگام سقط جنین هیچ خطری نخواهد
داشت و نباید مضطرب شد زیرا که اغلب دیده شده
است که جنین خارج شده و جفت چند روز بلکه
چند هفته بعد خارج گردیده است بدون
هیچ ضرر مکرر دیده شده که قبل از خروج

ظاهر شده است و فقط میتوان پس از یک دو ساعت
انتظار از خارج محل رحم را بملایمت فشرده و
مشت و مال داده یا دست را با الکل پر قوت آغشته
کرده بر زیر شکم بمالند تا قوه انقباضیه رحم زیاد
شده و جفت خارج گردد عقیده شخصی من در
این موقع این است که استعمال گنه گنه را بر تمام
اقسام دواها ترجیح داده و اغلب هم فواید
بسیاری از آن مشاهده کرده ام که هر دو
ساعت یک و ساعت یا ساعت بساعت دو نخود
بدهند سه فایده در استعمال گنه گنه است یکی
آنکه تحریک میکند و اعانت مینماید بر انقباضات
رحمی و معین میشود بر خروج جفت دوم آنکه
ضد عفونی است سیم آنکه پیش بندی میکند
از تمام عوارضات مخصوصاً در اماکنی که

تب و نوبه شیوع داشته باشد

(۲) هرگاه رطوبتیکه در این هنگام از زن دفع
میشود متعفن باشد بسیار اسباب خطر شده
باید در دفع آن کوشید پانزده نخود زاج سفید
غیر مکلس را کوبیده در پانزده سیر آب جوش
حل نمایند و بتوسط آب دزدک یا تلمبه رحمی
این محلول را در رحم داخل نمایند هر قدر حرارت
این محلول بیشتر باشد بهتر است ولی نه بحدی که
بدن را بسوزاند این عمل هر شش ساعت یک
مرتبه باید مکرر شود تا مدت چند روز عفونت
بکلی دفع شود

از برای امتحان درجه حرارت آن محلول نباید
انگشت را در آب فرو کرد بلکه ظرف بلوری یا
پاکی حاضر کرده با آن ظرف مقدار قلیلی از آن

آب برداشته در خارج بروی دست بریزند
و از برای سرد نمودن آن محلول آب سرد خارج
نباید مخلوط نمایند بلکه قدری تامل نمایند
تا آن محلول بخودی خود سرد شود اگر زاج
سفید یافت نشد ممکن است نمک طعام بهمین
مقدار استعمال کرد برگ گردو و برگ بید
نیز در این موقع بیفاید نیست شش مثقال برگ را
در پانزده سیر آب جوشانیده تا تخمیناً ۱۳ سیر
آن باقی بماند پس از آن از پارچه سفید پاکی
صاف کرده سه تا چهار مثقال نمک طعام
بدان افزوده استعمال نمایند

اگر از برای آب دزدک زدن اسباب موجود
نباشد میتوان پنجاه شصت تا صد دانه گلوله
پنبه درست کرده و هر یک از آن گلوله‌ها در وسط

نخ بسیار نازکی بسته که محکم باشد خود آن
پنبه هم باید خیلی پاک و حلاجی شده بوده و
اشیاء خارجی داخل آن نباشد بعد آن
گلوله‌ها را در محلولی که تهیه شده است یک
ساعت خیس نموده تا بخوبی از آن آغشته شوند
بعد بتوسط انگشت که با آب گرم و صابون
با کمال دقت شسته شده باشد برداشته و
بملایمت داخل مجری نمایند بی آنکه زیاد
فشار داده آب آن را خارج کنند هشت ده
دانه از آن گلوله‌ها را در مجری داخل نمایند
و دنباله نخ را در خارج نگاه دارند هر چهار
ساعت بچهار ساعت بتوسط آن نخ که در خارج
است گلوله‌ها را خارج نمایند و مجدداً
گلوله‌های دیگری که قبل از وقت تهیه شده است

برداشته بهمان ترتیب در مجرا داخل نمایند در
هنگام احتیاج سر ظرفی که دوا دارد باحتیاط
برداشته و فوراً سر او را بپوشانند تا اشیاء
خارجه در آن ظرف نریخته اسباب ضرر
و صدمه نشود

در همین هنگام استعمال گنه گنه نیز از واجبات
است چهار تا پنج نخود از اول آفتاب شروع کرده
ساعتی یک نخود خورده شود تا چهار پنج روز
مداومت شود

کتاب دوم

در قابلگی

فصل اول

چون وضع حمل از اعمال طبیعیه است لهذا

اغلب بدون کمک و همراهی قابله مجری شده
ولی گاهی بواسطهٔ بعضی عوارض و اتفاقات
خارجی که اسباب خطر حیات مادر یا سبب
خطر طفل بلکه گاهی سبب خطر هر دو میشوند
محتاج باعانت و کمک شده بلکه در چنین هنگام
وجود کمک و همراه عالم و عامل واجب میشود

(اولاً عوارضات وضع حمل)

(۱) برای بند آوردن خون و دفع حالت تشنجی
وقتی که اضافه بر معمول جاری شود خون گرفتن
استحمام عام و بالاخره انسداد موضعی بطریقی
که در فصل گذشته ذکر شده معمول است
کلیةً قانون آنست که در هنگام وضع حمل
دردی بروز نماید که در ابتدا فاصلهٔ دردها
با یکدیگر زیاد و بتدریج فاصله کم شده

وبهم نزدیک میشود مثلاً در ابتدا فاصلهٔ
هر دردی تا درد دیگر ده دقیقه است و
بتدریج این فاصله کم شده تا برسد به یک دقیقه
اگر حالت حمل باین ترتیب پیش رود وضع حمل
طبیعی بوده هیچ گونه خطر و وحشتی ندارد
(۲) ولی گاهی اتفاق افتد که یا شدت درد کم
میشود و یا فاصلهٔ میان آنها دور و بنقصان نهاده
تا بکلی موقوف میشود این حالت اتفاق نیفتد مگر
وقتی که وضع حمل زیاد بطول کشیده رحم و
سایر اعضا خسته شوند در این هنگام بوضعی
که شرح داده میشود باید رفتار نمود اگر آن
کیسه که بروی طفل کشیده شده است پاره
نشده و طفل از مکان خود پائین تر نیامده
است عجله نباید کرد بلکه زائو را باید راحت

گذاشته و بخوابانید که این خواب خود اسباب
استراحت و سهولت وضع حمل میشود و چون
بعد از خواب تمام بدن راحت شده است احتمال
دارد که درد شدیدی حاصل شده و وضع
حمل روی دهد هرگاه بالعکس آن کیسه پاره
شده و طفل از مکان خود پائین تر آمده در
حین دردهای زایمان ساکت شده باشند
باید کوشیده و بهر وسیله که ممکن است وضع
حمل را تمام نمود زیرا که مثلاً غیر ممکن است
بعض از اجزاء طفل از رحم خارج شده و بعض اجزاء
در رحم باقی مانده و باین حالت مدت زیادی
باقی و اسباب عارضه های خطیره از برای
مادر نشود زیرا که این وضع اگر بطول انجامد
بدون شبهه اسباب خطر خواهد شد از برای مادر

در این حالت باید بروی شکم ادویه محرکه مالیده
و مالش داد در حالت اول که دردها ساکن شود
و کیسه که بروی طفل احاطه کرده است پاره
نشده باشد و طفل از جای خود حرکت نکرده
است بهترین معالجات راحت گذاردن مریض
است بلکه حتی الامکان اسباب خواب فراهم نمایند
که مریض بخوابد چه بسا اتفاق افتاده است
که پس از بیدار شدن فوراً در کمال سهولت
وضع حمل واقع شده است

در هنگام ثانوی که کیسه پاره شده است
و طفل از جای خود حرکت کرده است باید
ادویه محرکه از قبیل عرق و کنیاک و عطریات
از هر قسم باشد بروی شکم مالیده و مالش
داد تا رحم را تحریک نموده و وضع حمل واقع

شود گاهی دستمالی که در آب یخ فرو کرده و
بروی شکم گذاشته اند فوائد کلی برای حصول
انقباضات رحمی کرده است
و میتوان در صورت لزوم بتوسط خورانیدن
یک گیلاس کوچک عرق یا یک فنجان قهوه خورے
شراب لحظه بلحظه در هنگام انقباض رحم را
تحریک و وضع حمل را آسان نمایند
اگر مریض از خوردن عرق و شراب امتناع نماید در
عوض دو مثقال پوست کنر کنه را در سه سیر
آب جوشانیده تا دو سیر و نیم آن باقی بماند هر
نیم ساعت یک فنجان کوچک از آن بخورانند
اگر طفل در رحم گیر کرده و خارج نشود یکی
وسائط معموله راه بردن زائو است در
اطاق و نباید هیچ وقت زن زائو را با شکم

گرسنه منتظر وضع حمل گذارده زیرا که لما
گرسنگی اسباب ضعف و موروث طول وضع
حمل میشود گاهی در زنهائیکه قوی البنیه اند
رگ زدن از بازو اسباب سهولت وضع حمل
شده است
(۳) همه وقت باید ملتفت بود که در هنگام وضع
حمل حالت یبوست نباشد زیرا که سبب بزرگی
است از برای طول کشیدن وضع حمل و در واقع
سدی است از برای خروج طفل قبل از وقت
حالت یبوست را بتوسط اماله روغنی باید
پیش بینی کرد مثلاً پنج تا شش مثقال روغن کرچک را
در هفت تا هشت سیر آب نیم گرم مخلوط کرده
تنقیه نمایند
(۴) هر زنهائیکه شکم اول حمل آنها یا کم سن اند

که کلیهٔ اعضای آنها چندان مستعد نبوده و
علت این یا از کمی است یا از کثرت سن و باین جهت
وضع حمل از برای آنها سخت میشود باید آنها را
در آب نیم گرم نشانده بعد قابله یا غیر آن دست
خود را که قبل از وقت خوب با صابون نشسته
باشد یا کرهٔ بی نمک چرب نموده و بهدایت
انگشت تمام مواضع مجرا را بدقت چرب
کند اگر عصاره بلادانه حاضر باشد بهتر
آنست که پنج نخود آنرا با دو مثقال کره مخلوط
کرده بطریقهٔ مزبور بکار برند

(ثانیاً ظهور جنین)

(۱) ظهور سر — بهترین اشکال وضع حمل آنست
که ابتدا سر طفل خارج شود و بعد باقی بدن
و تقریباً این حالت طبیعی است زیرا که در هر

صد دفعه وضع حمل نود مرتبه با سر خارج
شده و ده مرتبه باشکال دیگر

در این نوع وضع حمل که طبیعی است هیچ گونه
مداخله لازم نیست بعضی از زنهای قابله
یا بواسطهٔ نادانی یا بواسطهٔ خودنمائی که همیشه
مایلند اظهار کاردانی و کارنمائی نمایند
دست کثیف و چرک خود را متصل وارد مجری
کرده وانمود میکنند که مجری را برای سهولت
عبور طفل اصلاح میکنند و حال آنکه در
این هنگام حتی الامکان باید آن موضع را
دست نزد مگر یک یا دو دفعه برای آنکه مطلع
بشوند که سر طفل خارج شده است یا عضو
دیگر و گاهی نیز در حین لزوم برای کمک کردن
بخروج طفل باید دست زد

دستی دادن بمجرا اسباب خطر است زیراکه
بدین واسطه گاهی عضو مجروح و پاره شده
وبدین واسطه اسباب بروز جذب شدن
چرك در خون و حصول امراض صعبه میشوند
در هنگام خارج شدن سر طفل از رحم باید
مواظب بود که اسباب صدمه و پارگی از
برای مادر فراهم نکنند (چون وقتی که سر
طفل میخواهد از رحم خارج شود گاهی فشار
فوق العاده در رحم حاصل شده و شدت
آن ممکن است اسباب پارگی گردد لهذا باید
پیش بندی نمود) و برای این کار دست را بشکل
نعل اسب در عجان یعنی در فاصله میان فرج
و مقعد قرار داد لاینقطع اندك فشاری وارد
آورند که نگاهداری قوت داخل رحم را

نموده

نموده بملایمت جنین خارج شود
(۲) سر طفل بعد از خروج از رحم بواسطه وزن
خودش حالت افتادگی پیدا کند در این وقت
دست را زیر سر باید قرار داد و سنگینی
آنرا نگاهداری نمود و پس از کمی تامل و راحت
که مدت آن بر حسب شدت و ضعف قوه
انقباضیه رحم مختلف و از یك تا دو دقیقه
است سر بسمت راست یا بسمت چپ حرکت کرده
تا آنکه در امتداد محور بدن طفل که در مدت
مجرا است واقع شده خروج بدن از رحم سهل
شود اگر این حرکت طول کشیده و مجری نشود
میتوان آن را کامل کرده و برای سهولت اجرای
این حرکت اندك پیچی بسر داده و امتداد مجرا
که لازم است معلوم کرده پس از آن اندکی

کمك

کمک نموده و سر را بهمان امتداد قرار داده یعنی تمام
عمل را بعهدهٔ طفل بگذارند نه اینکه فشار
دهند

(۳) گاهی ممکن است که پس از انجام حرکت سابق
خروج کتفها بطول انجامد در این وقت انگشت را
بشکل چنگال کرده و با کمال ملایمت در زیر بغل
طفل برده جزئی حرکتی داده و بملایمت شانه را
جلو کشیده از محل تنگنا خلاصش کنند و باقی را بعهدهٔ
خود طفل باید گذاشت

(۴) گاهی اتفاق افتد که بند ناف بگردن طفل
پیچیده اسباب اشکال خروج سر طفل میشود
در این هنگام تا ممکن است پیچهای بند ناف را
بتوسط انگشت از گردن طفل رد نمایند اگر
نشد بتوسط مقراض یکی از آن پیچها را ببرند

که بلا فاصله طفل خارج میشود آنوقت باید
بتعجیل نموده گره سختی بآن نوک بند ناف که با طفل
آمده است زده و گره دیگری نیز بآن قسمت
بزنند که با جفت در رحم مانده است دوم ظهور سرین

(۱) وقتی ابتداء نشیمنگاه طفل ظاهر شود
در ظهور سرین زایمان بطول کشیده و
سخت میشود زیرا که این وضع غیر طبیعی خروج
طفل از جانب سرین بسیار سخت است لکن
با حوصله و تأمل ممکن است عمل زایمان بخوبی
مجرا شده و خوش عاقبت باشد در این نوع
وضع حمل دو اشکال موجود است یکی خروج
بازو دیگری خروج سر در اینحال ترتیب
رفتار از قرار دستور ذیل است

وقتیکه سرین ظاهر شده نباید آنرا گرفت

وبسختی کشید بلکه باید با کمال آرامی هر قدر
خارج میشود آن را با پارچه پاک و تمیز گرم
پیچیده ودست را زیر بدن طفل برای نگاهداری
وزن طفل قرار داد پاهای طفل که در رحم
بروی شکم قرار گرفته در این هنگام بسهولت از
رحم خارج میشوند فمحتاج کمک نیست هرگاه
پاها خروج بدن طفل را مانع شوند میتوان انگشت
سبابه را بشکل چنگال نموده و با کمال ملایمت
ودقت پاها را یکی بعد از دیگری از رحم خارج
کرد ولی در این عمل نباید تعجیل نمود و بقدری
که لازم است باید انتظار کشید بالاخره اگر پاها
خود خارج نشدند آنوقت این عمل را مجری دارند
وقتیکه پاها خارج شدند خروج بدن سهل
میشود در این حال کمکی لازم نیست جز اینکه

تا شکم وارد [illegible]

بدن طفل را با پارچه گرم تمیز پیچیده و یک دست را
بروی بدن و دست دیگر را بزیر آن قرار داده
فقط برای نگاهداری بدن باشد نه برای کار دیگر
ونباید بدن را کشید بلکه باید بحال خود واگذار نمود
تا آنکه بهمراهی و کمک طبیعت خارج شود وقتیکه
بدن را باین وضع نگاهداری کردید بهیچ طرف
او را نباید کج کرد نه بسمت راست نه بسمت چپ
و نه بسمت پائین و نه بسمت بالا اگر اندکی بطرف بالا
مایل باشد بهتر است تا بسمت پائین پس از این حال
هنگام اشکال اول که خروج سر است میرسد
با این هیچوقت نباید این مسئله را از نظر محو
نموده و فراموش کرد که جنین در اندرون
رحم بروی خود پیچیده و تا شده است بطوری
که تمام آن بملاحظه تلث فضای رحم روی خود

گلوله پیچ شده وشکلی چون تخم مرغ انتخاب نموده
واین شکل بیضی کمتر از سایر اشکال مکان متصرف
شده وقادر متعال این را برای آن قرار داده است
که هم طفل وهم مادر در راحت باشند.

وقوع طفل در رحم از این قرار است ساقهای پا
بروی ران وران بروی شکم تا شده بازوها
پهلوی تنه آویخته ودستها در سطح سینه بروی
یکدیگر قرار گرفته سر بقدام کج شده وچانه بروی
سینه تکیه کرده است

اگر طفل را در هنگام تولد حرکات بیقاعده ندهند
وحالت بیضی بودن اورا مغشوش نکنند بلا
فاصله بعد از خارج شدن بدن بازوها و
سر بدون اشکال خارج خواهند شد وعمل
زایمان با کمال خوبی وبدون هیچ اشکال

مجری خواهند شد

هرگاه دستها از حالت اتصالی خود که به پهلو
بدن دارند وسر از حالت اصلی خویش خارج
یعنی چانه از روی سینه بلند شود وسر بطرف
عقب مایل گردد در هر صورت حالت واتفاق
بسیار بدی است که دستها بطرف سر بلند شده
وبشکل بال می گردند واگر بهمان حال بخواهند
اورا بیرون بکشند بطور یقین بازوی طفل را
شکسته ومجرا را مجروح وپاره خواهند نمود
در این حالت بدن طفل را قدری بطرف داخل
رحم فشار داده وداخل کنند انگشتها را
بشکل چنگال (یعنی انگشت سبابه از این دست
ویکی از دست دیگر) ساخته از دو طرف وارد
رحم کرده دستهای طفل را یکی بعد از دیگری

گرفته بازوها را ببدن ملصق کرده و ساعدها
بشکل صلیب بروی سینه قرار داده بدن را بملایمت
خارج نمایید بعد از آنکه این عمل بطور سهل
و خوبی گذشت هنگام اشکال دوم که خارج
شدن سر است میرسد

در حالت و رفتار طبیعی زایمان سر در هنگام
عبور از مجرای [جنین] چانه بروی سینه تکیه کرده و تا
[انتهی] شده اما اگر بواسطهٔ اتفاقی هرچه باشد این
وضع طبیعی بهم بخورد یعنی سر بطرف جلو زیاد
کج شود چانه از روی سینه رد شود و بروی
زهار تکیه کند در این حال اگر بخواهند بقوت
رفتار نمایند بجز خرابی و زحمت نتیجهٔ دیگر حاصل
نشده ابداً ثمری نخواهد داشت

پس اگر حال طبیعی بهم خورده و از بدن یعنی از [اتفاق]

روی دهد در این هنگام قابله از دانستن
اندازهٔ از علم تشریح ناچار است طفل را در مقابل
خود سرپا ایستاده نگاه دارید و نخ را از این شانه
تا شانهٔ دیگر او ممتد نمایید وقتی که آن نخ را باین
وضع قرار دادید در همان هنگام نخ دیگر هم در
امتداد سرش یعنی قدری بالاتر از ریشهٔ بینی تا
بقمحدوه (استخوان عقب سر) ممتد نمایید خواهید
دید که این دو نخ یکدیگر را عمودی قطع کنند
یعنی بزاویهٔ مستقیم مطابق این شکل + این مطالب
تشریحی بیان میکند که از برای خارج شدن بدن
بکلی (سر و تنه) حرکتی الوائی در داخل رحم باید
مجری شود همچنان که در خارج مجری میشود
برای مطابق کردن محور بدن با محور مجری تا
خروج سهل شود

اگر اول سر خارج شود حرکتی بطرف خارج بچه
میدارد برای مطابق کردن محور شانه‌ها با محور
مجری چنانچه در فصل خروج سر ذکر شد اگر اول
شانه‌ها خارج شوند شانه‌ها حرکتی بطرف خارج
میکنند برای مطابق نمودن محور سر با محور مجری

(۱) التوا — گاهی اتفاق افتد که شانه‌ها خارج
شوند در این موقع حرکت التوائی ببدن طفل
باید داده شود که محور شانه‌ها تقاطع نماید
با محور مجری مطابق این شکل محور مجری / محور شانه‌ها در این
عمل احتیاط و ملایمت کلی لازم است در ازانو
نباید هیچ حرکت نماید بدن طفل را بآرامی قدری
بطرف راست قدری بطرف چپ حرکت داده باقی
حرکت التوائی را بعهده طبیعت گذارند تا بسمتی
که اصلاً مایل است حرکت نماید

(۲) خروج — در این حال بنا میشود که یکی از دو
حال اتفاق افتد یکی آنکه پشت طفل بسمت بالا برگشته
و چانه بروی زمینه مجری ملاصق گشته است دیگر
آنکه پشت طفل بسمت پائین برگشته و چانه در پشت
زهار گیر کرده است

در هر یک از این دو حال عمل مطابق آن حال
لازم است

در حالت اول یعنی وقتیکه پشت بسمت بالا برگشته
باید طفل را بسختی بلند کرد (نه بطوری که صدمه
بطفل وارد شود) تا بحدیکه پشت طفل محاذی
شود با شکم مادر بواسطه این حرکت صورت طفل
تمام طول مجرا را پیموده و بسهولت خارج میشود
در حالت دوم اگر پشت بطرف پائین است
و صورت بطرف بالا برگشته است و چانه در

عقب زهار گیر کرده است حرکت را بجهت مخالف
مجری نمایند یعنی بدن طفل را بسمت پای و بطرف
پشت مادر میبرند تا حدیکه پشت طفل مقابل شود
با پشت مادر هنگامیکه این حرکت را ببدن طفل
وارد میاورند یک انگشت یا دو انگشت دست
دیگر (دست راست) را در دهان طفل وارد کرده
چانه را بملایمت از پشت زهار رد کرده بقیه
عمل بسهولت مجری میشود

در اجرای این حرکات و اعمال که ذکر شد سعی
بسیار و جرئت فراوان و قابلیت زیاد لازم است
اجرای این اعمال را بعهده هر کس نمیشود واگذار
کرد حتی الامکان باشخاص با هوش و با جرئت
که در کارها احتیاط کرده عادت و شناسائی
باین نوع اعمال دارند باید رجوع شود

چه بسا اوقات زندگی طفل بدبخت بواسطه نادانی
و بیعلمی قابله و اشخاصی که اطراف زائو هستند تلف
میشود و حال آنکه اگر قابله یا غیر آن اندک علم و بصیرتی
داشته باشند در این مواقع جان زندگی طفل
بسهولت نجات یابد

در همین اوقات روزی سر زائو بعیادت رفتیم هنگام
ورود در اطاق طفل بی سری میان اطاق مشاهده
شد بعد از کوشش و جستجوی زیاد معلوم شد
که قابله بی احتیاطی کرده طفل را بسختی کشیده است
و بقوت خواسته از رحم خارج نماید در این قوت
و کوشش سر طفل از بدن جدا شده در داخل رحم
مانده است یکی از اطبای ایرانی هم نظیر این حالت ذکر
کرد اگر چه این اتفاقات در ممالکیکه ترتیبات علمی
نفوذ نکرده است بعید نیست

ظهور پاها

در باب ظهور پاها چیزیکه قابل ذکر باشد نیست مگر آنچه اشکال که در فصل ظهور مقعد ذکر شد در اینجا هم اتفاق افتد پس همان رفتار و اعمال که در آنجا لازم است در اینجا نیز باید مجری شود

ظهور بازوها

این حالت بسیار خطرناک و هولناک است چه از برای طفل چه از برای مادر خوشبختی آنست که این قسم حالات کمتر اتفاق افتد و بسیار نادر است که طفل با این حالت تولد شود

در این موقع وجود قابله‌های متعارفی چندان مهم نیست فایده ندارد زیرا که فقط انجام این کار باید بدست کسی باشد که در قابلگی کمال مهارت را داشته آنهم اغلب طوری است که باید از طفل صرف نظر

کرده جان مادر را خریده کار را تمام کنند با وجود این چند کلمه هم از این مطلب گفتگو نمائیم که اغلب این اطلاعات مخصوصاً فایده زیادی خواهد داشت بلکه پیش بینی هم خواهد نمود بسیاری از حالات را بخانمها اگر این نصایح را بخوبی یاد گرفته و رعایت نمایند

وسایطی که در این مواقع میتوان مجری داشت حرکت دادن طفل است گاهی بداخل و گاهی بخارج

(۱) این حرکات بکار میرود برای اصلاح کردن این حالت بسیار بد بنا بر این قابله در آخر حمل بزانو دست بزند در حالتی که دستهای خود را پاکیزه بشوید و بخوبی پاک کرده باشد که شکی در پاک بودن دست نداشته باشد اگر قبل از وقت زانو مبتلا نشود بعلامتهای شوم که علامت شومی ظهور است پی ببرد

در حالتی که بملایمت دستها را بروی شکم زائو گذارده
واحساس نماید عده بعضی شکلی که در یکی از پهلوهای
لکن خاصره قرار گرفته است (لکن خاصره عبارت است
از دو استخوان عریض که بالای آنها و اطراف مقعد
قرار گرفته است) این حالت علامت بودن کاست که اول
شانه ها خارج خواهند شد اگر سر طفل را نیز در
طرف دیگر لکن خاصره احساس نمایند در آنها وقت
احساس خواهند کرد که سرین طفل هم در سمت
دیگر لکن خاصره واقع است و بدن طفل هم عرضا
خوابیده شده است میتوان بواسطه داشتن علم
و عمل در صورتیکه همراهی دست باشد این وضع
طفل را برگردانیده بوضع مناسب و دلخواه قرار داد
پس از آنکه وقوع طفل درست معلوم شد زائو را
به پشت خوابانیده و متکائی در زیر سرین او قرار
داد

داد برای حرکت دادن طفل گاهی اوقات سرین زائو را
بیشتر هم میتوان بلند کرد اگر لازم شود میتوان زائو را
برحسب لزوم گاهی این پهلو و گاهی آن پهلو حرکت داد
همکاری میکرد دو نفر برحسب حکم قابله حرکات لازمه را
مجرا میدارند قابله جستجو نماید سر بچه را برای اینکه
او را حرکت دهد و در وسط حفره لکن خاصره قرار
دهند

بسیار مشکل است که بتوان شرح داد که کدام یک
از حرکات مفید و سریع الاثر خواهد بود زیرا
که حرکات هر لحظه برحسب حالات مخصوصه تغییر مینماید
گاهی باید سر را بخارج بکشند و گاهی بداخل فشار
دهند گاهی بلند کنند گاهی پائین برند
اگر این اعمال و این حرکات را بقابلهٔ مجربی دادند ممکن است
در آن واحد دو میان را انجام دهند

(٢) حرکات لمسیه داخل

اگر در هنگام وضع حمل دیده شود خروج بازو
در صورتیکه آماس و ورم کرده سیاه شده باشد
و نشانه خارج شده است و طفل مرده یا قریب
بهلاکت است نباید او را داخل فشار داد و نتیجه
دست سیاه شده را قطع کرد زیرا اگر این هم بشود
خواهد بود که نه تنها که مقاومتی بلکه نوازی
طفل بند آن دست را هادی خود قرار داده حالا
آن دست در داخل رحم جستجو نموده یا قطعه‌ها
یافته آنها را خارج نمایند اگر دو پا ممکن نشود
یکی هم کفایت کند برای مجربه داشتن این عمل دقیق
و مشکل و خطرناک لکن نباید رها کرد
در این هنگام برای اجرای این حرکت پشت دست
و پشت انگشتهای آن دست را که باید داخل مجری

شود

شود بتوسط روغن هرچه باشد (روغن زیتون
روغن بادام شیرین کره تازه بی نمک) چون بعد
انگشتها را بهم وصل کرده بشکل مخروطی ساخته
داخل مجری نمایند در صورتیکه پیروی نمایند
امتداد دست طفل را که هادی قرار داده اند
و دست خود را بقدریکه ممکن است در رحم بالا
برده بنا میشود که ساعد بکلی وارد رحم میشود اگر
دست راست را وارد رحم کرده اند باید دست را
بسمت فوق و راست را امتداد خط منحنی حرکت
دهند اگر دست چپ وارد رحم کرده اند دست
بسمت فوق و چپ را امتداد خط منحنی حرکت دهند
در هنگام ورود دست در رحم اگر انقباضی از
برای رحم حاصل شد باید در همان حال که دست
داخل است نگاه داشت بعد دست را بعد از برده

کشیده

کشید تا انقباض رحم تمام شود مجدداً دست بالا و
برده تا برسد بپای طفل که یقین شود پای طفل
است (برای اینکه بتوان در داخل رحم اعضای
طفل را بسهولت شناخت در خارج مکرر باید
اعضای مختلفه را در صورتیکه چشم را روی
هم گذاشته باشند دست مالی نمایند تا مهارت
حاصل شود وقتیکه دست در داخل با اعضای طفل
برخورد بخوبی میتوان شناخت که کدام عضو است)
بعد از آنکه پای طفل در داخل رحم بدست آمد
پس با دستی که در داخل رحم است پای طفل را
در میان انگشتان بسختی گرفته و با دست دیگر
از خارج یعنی روی شکم فشار مختصری وارد کرده
و کمک نمایند به برگردانیدن و خلاص کردن
پای طفل پس از آن رفتاری که در خروج پاها

ذکر شد مجری دارند
اگرچه میدانیم این گونه مطالب در مقام تکلم و تحریر و
تقریر آسان است ولی در مقام اجری و اعمال بسیار
مشکل و خیلی دقت لازم است که خبط نشود
هر کس هم از عهده اجرای این اعمال بر نمیآید مگر کسیکه
که عالم و عامل باشد اگر کسی یافت نشد که قابل اجرای
این اعمال باشد بهتر آنست که بعهده طبیعت واگذاشته
شود بسا میشود که طبیعت معجزه میکند و این اعمال
سخت را بسهولت انجام دهد

ظهور طفل بطور سقوط

گاهی دیده میشود که بعض اعضا بهمراهی سر طفل
از رحم خارج شود این حالت بسیار سخت خطرناک
است (اعضائی که با سر خارج میشود گاهی یک دست
گاهی دو دست گاهی یک پا گاهی هر دو پا است)

در این حالت باید هر قسم که ممکن است هر یک از این
اعضا را که با سر از رحم خارج شده باشد دوباره
برحم برگردانید یا باستعانت انگشتان یا باستعانت
دستها هر کدام مناسب باشد

فارغ شدن

قانون طبیعی آنست که دو سه دقیقه بعد از تولد طفل
جفت از رحم خارج میشود این مدت فاصله میان تولد
طفل و آمدن جفت اگر اندکی هم طول کشید نباید
عجله کرد بلکه زائو را باید راحت گذاشت بنا بر آنچه
در فصل زایمان شرح دادیم این هنگام راحت
لازم است زیرا که در مدت وضع حمل بواسطه
آن زحمات که بر زائو وارد شده است قوت اعضای
او کم شده و محتاج است براحت تا اعضای او قوت
بگیرند و در خارج کردن جفت چندان بی قوت

نباشد

نباشد گاهی میشود که بدون فاصله بعد از تولد
طفل جفت نیز خارج شود ولی عموما چند دقیقه
فاصله میشود میان تولد طفل و خارج شدن جفت
در این زمان فاصله قابله به پرستاری و مواظبت
طفل مشغول شود

همین که طفل از رحم خارج شد قابله باید از دو
موضع با نوار پهنی (هرگز با ابریشم یا قیطان نباید
بسته شود) بند ناف را ببندد این نوارها باید که
بقدر یک انگشت فاصله داشته باشد و از ناف
طفل بقدر یک وجب فاصله داشته باشد بعد از
آنکه بند ناف را با دقت تمام با ترتیبی که ذکر شد
بستند از میان آن دو نوار بند ناف را قطع کنند
این احتیاطات نباید ترک شود زیرا که اگر بند ناف
بخوبی و مستحکم بسته نشود ممکن است سبب نزف الدم

خطره

خطره (جاری شدن خون از بند ناف) شود بعد از
فراغت از این عمل و بریدن بند ناف آن قسمت از بند
ناف را که بجفت وصل است از محلی که بقدر امکان
نزدیک تر باشد گرفته و بملایمت کشید نباید بقوت
کشیده شود که بند ناف پاره خواهد شد و جفت
در رحم خواهد ماند و اسباب خطر میشود بند
ناف را که باین ترتیب گرفته شده است نباید رها
کرد مگر وقتی که جفت از رحم جدا شده و بتمامه
پایین بیفتد و جدا شدن جفت از رحم بواسطه
سست شدن بند ناف بخوبی معلوم میشود پس از آن
دیگر کاری نیست جز خارج کردن جفت
از برای خارج کردن جفت دقت زیاد لازم است
که جفت پاره نشود از برای احتیاط پاره شدن
جفت باید جفت را چهار پنج لا بروی هم پیچیده بملایمت

آن را

آن را کشیده از رحم خارج نمایند در خارج کردن
جفت از رحم باید مواظب بود که ذره از جفت در رحم
نماند زیرا اگر مقدار جزئی از جفت در رحم بماند
متعفن و اسباب خطرهای کلی از برای مادر میشود
بعد از آنکه جفت از رحم خارج شد نباید آن را
بدون رسیدگی و تحقیق دور انداخت بلکه ظرف
بزرگی را پر آب کرده جفت را در میان آن ظرف
انداخته و بدقت تمام رسیدگی نمایند که چیزی
از جفت در میان رحم باقی نمانده باشد اگر چیزی
از آن ناقص نیست و کاملاً از رحم خارج شده است
اسباب آسودگی و استراحت خیال است
باید ملتفت بود که جفت مانند اسفنجی است (ابری
که با آن صورت میشویند) پر از خون بواسطه
سطح صاف خود بدیواره رحم متصل است و سطح

دیگرش

در پیرامون از کیسه پوشیده شده است که مملو است
از رطوبتهای طفل که مدت زندگانی در رحم از او دفع
شده است (رطوبات کثیفه یا کثافات طفل) این کیسه
در هنگام جد و جهد و انقباضات رحمی پاره میشود
و بتوسط رطوبت داخلی خود اندرون مجرای الرحم
(لین) کرده تا عبور طفل آسان شود پس از آنکه این
کیسه بهمراهی جفت از رحم خارج شد بشکل کیسه
ایست که در یک سمت آن جفت واقع و در سمت دیگر
دارای سوراخی است که علامت دروازه خروج است
از همان نقطه که این کیسه پاره شده است او را بملاحظه
این رو آن رو نمایند و بدقت رسیدگی نمایند اگر
نقصی نداشته باشد اسباب خاطر جمعی است و بالعکس
اگر در کیسه نقصی باشد سبب اضطراب میشود
علامات ناقص نبودن کیسه این است که در همه آن جمع باشد

وجمع نبودن در همه علامت ناقص بودن آنست
در خود جفت هم اگر سطح آن پستانی و صاف و منظم با
شیارها و برجستگی طبیعی است ناقص نیست والا اگر
بر عکس اینها باشد ناقص است
پس از دقتها و امتحانات حتی الامکان باید آنرا از اطاق
دور برد که اگر در اطاق بماند متعفن شده و هوای
اطاق را متعفن کند و عفونت هوا اضافه بر اثرات مضر
هیچ چیز خطرناکتر از این نیست که جفت را زیر ذیل زائو
نگاه دارند تا نعم دیگر می‌گویم تا ممکن است جفت را
از اطاق زائو باید دور کرد تا عفونت آن زائو را
صدمه نزند و اسباب خطر نشود بهتر این است
که جفت را در محل بسیار گودی دفن کرده روی آنرا
با آهک یا گچ یا گل و سنگ وغیره هر کدام حاضر باشد
بپوشانند این ترتیبی که از برای جفت ذکر شد

نر فقط از برای خفناست هر چیزیکه کثیف و
چرك و متعفن است باید از اطاق زائو دور باشد
هرگاه بخواهید که ده روز دیگر زائو در رختخواب
خوابیده است خوش باشد و مبتلا بامراض خطر
نشود حتی الامکان آنچه بزائو متعلق است از لباس و
رختخواب و غیره باید بسیار پاکیزه و بی کثافت باشد
بعد از خارج شدن جفت ظرف برنگی را پر از آب
جوش کرده سه سیر الکل یا عرق و بقدر یک فندق
کافور در این آب مخلوط نمایند اگر کافور حاضر
نباشد بجای آن پنج تا شش سیر نمک متعارفی
بعد از آنکه دواها را در آب داخل کردند آب را
بگذارند سرد شود برای امتحان سرد شدن آب
نباید دست داخل آن نمایند با اسکان بسیار
پاک قدری از آب برداشته در خارج بروی دست
بریزند

بریزند و حرارت آب را معین کنند پس از آنکه حرارت
معتدل شد که دیگر عضو را صدمه نخواهد زد بتوسط
پارچه کتان یا ابری که در آن فرو کرده باشند عضو
زائو را بخوبی بشویند و کمال دقت در شستن لازم است
این شستن عضو در روزی سه مرتبه اقلاً باید مجری
شود علاوه بر این هر قدر لازم شود که شستن از این
تو هیبا نیز اطاق زائو هر قدر دور از اسباب و زینت باشد
بهتر است علاوه بر آنچه که برای زائو لازم است هر چه
که در اطاق هست از قبیل رختخواب و اسبابهای
زینت طاقچه و غیره را باید از اطاق خارج کرد هر قدر
اسباب خارجی در اطاق کمتر باشد زائو از مرض دورتر
است حتی الامکان آنهائیکه برای دیدن و احوال پرسی زائو
می‌آیند در اطاقی که زائو خوابیده است داخل نشوند
و در اطاق دیگر بنشینند زیرا که هر یک از این اشخاص که
بدیدن

میآیند که و کرمها حیوانات ذره بینی مرضی با خود
دارند که تا این (سالوها) چون مزاج و بنیه
آنها قوی است اثر نکند ولی زائو چون صدمه زیاد
کشیده و بنیه اش ضعیف شده است و آماده قبول
ماده مرض است فوراً از آن حیوانات متأثر
میشود باید مواظب بوده نگذاشت قابله که از برای زائو
حاضر میکنند زائوئی را که قبل از این زایانده است
مریض بوده یا نه مرده است یا خیر اگر مریض بوده یا
یا مرده است آن قابله را که در سر آن زائو بوده است
از برای این زائو حاضر نکنند بنا میشود که این قابله
یا بوساطت دست یا لباسها خود ماده مرض را از
بدن زائوی قبل برداشته و ببدن زائوی دوم
نقل کند و نقل این ماده اسباب مرض بلکه مرگ
شده زائوی بیچاره تلف میشود

اتفاقات بعد از فارغ شدن

بنا میشود که عمل زایمان بخوبی مجری شده و هیچ
خطری حاصل نمیشود ولی بعد از زایمان بعضی اتفاقات
فراهم شود که اسباب خطر است
اولاً از این مخاطرات آنست که جفت دیر خارج شود یا آنکه
بکلی در رحم بماند اگر بعد از ربع ساعت انتظار جفت
از رحم خارج نشد با یکدست بند ناف را گرفته
با دست دیگر از روی شکم رحم را فشار دهند
بملایمت با قوت اگر خود قابله نتوانست از عهده
برآید بعهده شخص باهوش و قابلی واگذار نماید
نصایح مهمه — بند ناف را که بجفت وصل است نباید
کشید مگر هنگامی که رحم حالت انقباضی دارد (یعنی در
وقت جمع شدن و فشار رحم) و هیچ وقت در هنگام
راحت نباید بند ناف کشیده شود اگر هنگام راحت

بند ناف را بکشند اسباب نزف الدم رحمی شده (خون
آمدن از رحم) اسباب هلاکت میشود

دوم گیر کردن جفت در رحم — با وجود تمام این جد و
جهدها باز جفت از رحم خارج نشد نباید حواس مغشوش
شود بلکه با نهایت آرامی در صدد معالجه باید برآمد
و اسباب خارج شدن آنرا فراهم کرد در این وقت باید بدستور
العملی که شرح داده میشود باید رفتار شود دادن
بعضی دواهای مقوی و محرک از قبیل عرق بید و کنیاک
(یک گیلاس کوچک) یک تا دو نخود گنه گنه یا خاراندن گلوی
زائو خود من مکرر از این عمل نتیجه دیده ام مثلاً گلوی
زائو را با پر مرغ یا با گیس خود زائو خارانند این عمل
اسباب مقدمات قی میشود چون در هنگام قی تمام
ماهیچه های شکم جمع میشود و برحم فشار وارد میاورد
لهذا اسباب جمع شدن رحم میشود وقتیکه رحم جمع شد

بجفت

بجفت فشار میدهند و آنرا خارج میکند
اگر با تمام دواها و تدبیرات باز جفت خارج نشد
اگر قی یافت شود چه و اگر یافت نشود دستمالی را در آب
سرد فرو کرده در روی رحم قرار دهند اغلب اوقات
همین تدبیر ساده جفت از رحم خارج شده است.
اگر از این کار هم مراد بحاصل نشد بعد از آنکه دو
ساعت انتظار کشیده شد و جفت خارج نشد باید
اصرار کرد در خارج کردن جفت

در زائیدن قبل از نه ماه یا در سقط جنین (بچه
انداختن) چنانچه در فصل سقط جنین ذکر شد
میتوان جفت را اگر خارج نشد مدت چند روز
بلکه چند هفته متحمل شد ولی در زائیدن بموقع
نمیتوان این نوع رفتار کرد بهر وضع که ممکن میشود
باید کوشید تا جفت خارج شود زیرا اگر جفت

یا ذره

بندِ ناف را بکشند اسباب نزف الدم رحمی شده (خون
آمدن از رحم) اسباب هلاکت میشود

دوم گیر کردن جفت در رحم — با وجود تمام این جد و
جهدها باز جفت از رحم خارج نشد نباید حواس مغشوش
شود بلکه با نهایت آرامی در صدد معالجه باید برآمد
و اسباب خارج شدن آنرا فراهم کرد در این وقت بتوسط
العملی که شرح داده میشود باید رفتار شود دادن
بعضی دواهای مقوی و محرک از قبیل عرق بید و کنیاک
(یک گیلاس کوچک) یک تا دو نخود گنه گنه یا خاراندن گلو
زائو خود من مکرر از این عمل نتیجه دیده ام مثلاً گلوی
زائو را با پر مرغ یا با گیس خود زائو خارانند این عمل
اسباب انقباضات میشود چون در هنگام قی تمام
ماهیچه های شکم جمع میشود و برحم فشار وارد میاورد
لهذا اسباب جمع شدن رحم میشود و وقتیکه رحم جمع شد

بجفت

بجفت فشار میدهند و آن را خارج میکند
اگر با تمام دواها و تدبیرات باز جفت خارج نشد
اگر نبض یافت شود و اگر یافت نشود دست را داخل
سر دو فرو کرده در روی رحم قرار دهند اغلب اوقات
همین تدبیر ساده جفت از رحم خارج شده است.
اگر از این کار هم مرادی حاصل نشد بعد از آنکه دو
ساعت انتظار کشیده شد و جفت خارج نشد باید
اصرار کرد در خارج کردن جفت

در زائیدن قبل از نه ماه یا در سقط جنین (بچه
انداختن) چنانچه در فصل سقط جنین ذکر شد
میتوان جفت را اگر خارج نشد مدت چند روز
بلکه چند هفته متحمل شد ولی در زائیدن بموقع
نتوان این نوع رفتار کرد بهر وضع که ممکن میشود
باید کوشید تا جفت خارج شود زیرا اگر جفت

یا ذره

یا ذرّه از جفت در رحم باقی بماند اسباب هلاکت زائو میشود
چون ماندن جفت در رحم بسیار اسباب خطر است
لهذا باید کوشید که جفت در رحم نماند و این موقع است
که قابله باید استاد و با علم باشد و چابکی بکار برده یعنی بفور
که شرح داده میشود جفت را خارج نماید اولاً اگر ناخنها
بلند است آنها را از ته بگیرد بعد بالکل دست را
خوب بشوید که تمام کثافتها که در جای ناخن و در چین‌های
دست هست پاک شود پس از آنکه دستها را بوضع الکل
شستشو داده دستها را با آب گرم و صابون بدقّت بشوید
و با دستمال خیلی پاک خشک نماید بعد از این کارها
دست را داخل رحم کرده و با دست چپ بند ناف را
گرفته اندکی بکشد ولی بقدری که پاره نشود و یک نفر
دیگر دست را روی شکم زائو گذاشته رحم را بسمت پائین
فشار دهد قابله با آن دست که در رحم است گردش

کرده تا جفت را پیدا نماید بعد از یافتن جفت بدقت
تمام آن را از دیواره رحم جدا کند بقسمی که پاره
نشود تمام جفت از رحم جدا شود برای پاره نشدن
جفت باید جفت را بدور خودش بپیچد کم کم قوت نماید
و آنرا بکشد تا از دیواره رحم جدا شود

چون جفت بسیار نازک و لطیف است باید دقت کرد
معذلک با تمام این دقتها گاهی اتفاق افتد که پاره شود
در این وقت چاره نیست جز اینکه جفت را قطعه قطعه از رحم
خارج کنند و دیواره رحم را تا ممکن است با ناخن بخراشند تا بعد
اطمینان حاصل شود که دیگر از جفت چیزی در رحم باقی نمانده است

(۲) نزف الدم رحم (جریان خون از رحم)

قانون کلی است که چون از رحم خون جاری میشود
این جریان خون طبیعی اسباب خطر و اضطراب نیست گاهی
میشود که خون از حد طبیعی بیشتر جاری میشود مثل آنکه

بطور فواره جستن دارد یا مثل سیل جاری میشود
این نوع جریان خون اسباب خطر است و ممکن است زائو را هلاک نماید
در این هنگام بدون تأخیر و تردید فوراً باید زائو را در مقابل
هوای سالم و آزاد قرار داد درها و پنجره‌های اطاق را
باز کرده تا هوای اطاق و سالم و آزادی وارد اطاق
شود اگر زمستان است آتش کرده در پهلوی زائو است بردارند
اشخاصیکه در آنجا حاضرند و وجود آنها علاوه بر آنکه
فایده ندارد اسباب زحمت میشود باید از اطاق خارج شوند
در این هنگام که نزف الدم رحمی روی داده است موقع
دادن ارگو است قدری شربت و ترتیب دادن آن از اینقرار است
پنج دانه ارگو را که پنج نخود میشود با کمی قند سائیده
مثل سرمه نرم نموده بزائو بخورانند اگر لازم شود
بعد از نیم ساعت یا ربع دیگر نیز میتوان بهمین وضع
و همین قدر بدهند

در موقع نزف الدم رحمی تا ممکن است بهتر است که
نگذارند و جای او را تغییر ندهند و او را خوابانیده و
هر قدر که ممکن است سر او را پائین تر از بدنش قرار دهند
لیمو یا آب لیمو شربت آلوی ترش هر کدام حاضر باشد
باو بخورانند
اگر از برای زائو حالت بیحالی یا غشوه دست دهد و اعضا
محرکه و هیجان آورنده از قبیل دم کنیاک عرق شراب
گرم باو بخورانند تا او را هیجان آورد

در باب تب نفاسی

این تب یکی از ترکیبات وحشت انگیز و هولناک تمام
ترکیبات حالت زایمان است چه بسا زنهای جوان
بواسطه همین تب بدون عارضه و اتفاق دیگر مرده اند
و ما اطبا هم اغلب اوقات هنگامی بسر وقت این نوع مرضی
حاضر شده ایم که علاج آن غیر ممکن بوده است

سابقاً در اروپا و در جاهای دیگر این مرض بجای
زنهانرا تلف میکرد که برای منع سرایت این مرض و
عمومی شدنش مجبور بوده و چارهٔ دیگری نداشتند
چنانکه در مریضخانهها در لندن امروزه بواسطهٔ کمال
اسباب مواظبت و محافظت کمتر اتفاق میافتد که مریض تلف شود
سببهائیکه باعث این مرض میشود — در اینجا شرح
نمیدهیم مگر از چیزهائیکه مهمتر است و چیزهای
مخصوص که باعث این مرض مهلک میشود ما در آینده
شرح خواهیم داد

(١) باقی ماندن ذرهٔ از جفت در رحم و متعفن شدن
آن باعث و سبب اصلی ظهور این مرض است

(٢) خون و سایر موادی که در هنگام وضع حمل
از زن دفع میشود هرگاه درست نشویند و پاک نکنند
عفونت پیدا کرده مریض را مسموم نماید و باعث این مرض بشود

وهمین

(٣) هرگاه بطور بی احتیاطی بشویند و اثری از خون
یا از مادهها در موضع مخصوص زن باقی بماند متعفن
گردیده وارد رحم شده زن بیچاره را مسموم مینماید

(٤) هرگاه کهنه و سایر چیزها که برای جراحت بکار رفته
باشند در اطاق مریض بماند سبب بروز این مرض خواهد شد

(٥) آنهائیکه پرستار میباشند اگر در هنگام شستشوی
بدن مریض دست خود را قبل از وقت نشویند یا عوض آب
گرم با آب سرد کثیف بشویند یا اگر ناخن بلند داشته
باشند و آنرا نچینند یا زیر ناخن را بخوبی پاک نکنند
کثافتهائیکه در زیر ناخن آنها است ماده سوء نیز را
ببدن مریض وارد نمایند و از روی نادانی و جهالت
بدست خود عزیزترین اشخاص خود را مسموم نمایند

(٦) اشخاصیکه از خارج بعیادت و احوالپرسی
میآیند بواسطهٔ احتمال مکرر رسم آشنائی از آنها

پرهیزید

پرسید که از چه جا میآیند ممکن است از آنها که مبتلا
بمرض مسری وجود داشته (از هر قسم باشد) و ماده
آن مرض را با خود حمل کرده باشند بصورتیکه خود او
نداند پس وقتیکه نزد مریض بنشینند آن مواد را از روی
ندانستگی بمریض نقل نماید و مریض را مسموم کند
(۷) تعارف و خلعتی را که از برای مریض میآورند از قبیل
لباس و غیره مریض بی خبر از آنکه این لباس دار است آماده
که برای او حکم زهر قاتل را دارد دربر کرده تماس
کرده و آن لباس اسباب وارد شده آن بیچاره را مسموم نماید
(۸) ممکن است مگسهائیکه در اطاق در اطراف مریض
پرواز میکنند قبل از آنکه در جای دیگر که مریضی مبتلا
بمرض مسری بوده نشسته و از کرده باشند بعد از آن بر مریض نشسته
از آنجا ماده مرض را با خود برداشته و وقتیکه بر بدن این
تازه وارد بنشینند آن ماده را در بدن این مریض وارد نماید

واو را مسموم کنند از مطلب دور نباید سهل و بی اصل دانست
این اوقات تمام عقاید بر آنست که مگس بهترین واسطه
میباشد از برای سرایت و حمل و نقل امراض مسریه
(۹) نباید مریض را در مکانی خوابانید که قبل از این در آن مکان
مریضی مبتلا بتب نفاسی بوده است اگرچه سالها هم
فاصله شده باشد
(۱۰) نباید اسبابیکه سابق برای مریضه که مبتلا
بتب نفاسی یا امراض مسریه دیگر شده بکار برده
بوده است برای این مریض بکار برند (از هر قبیل باشد لحاف
توشک شمد و غیره) اگر هیچ نخواهید داده که مسموم شده
است ما هم را افسوس که شستن در حوض هزار درجه بدتر است
از نشستن برای که خود مکرر دیده‌ام که هیچ کثافت را
وجه رفع نمیشود
بالاخره اگر بخواهیم تمام آن چیزها که اسباب این

مرض میشود شرح دهیم لو حدّ ما گنجایش آنرا ندارد
ولی اینقدر که اینجا از اسباب اصلی آن شرح داده شد برای
اشخاصی که مایلند بیاد گرفتن و فهمیدن کافی است

شرح — غالباً تب نفاسی روز ششم زایمان بروز کند
ندرةً قبل از روز ششم هم بروز نماید بسا اتفاق افتد
که روز دهم پانزدهم بیستم بیست و پنجم هم بروز کند

علامت — قشعریره (لرزش) که در مدت دو روز چند
مرتبه مکرر میشود حرارت بدن بتدریج زیاد شود
و نقصان نیابد نبض صغیر و نرم و سریع و از دیر شود
فرار کند رنگ صورت پریده و تغییر شکل یافته و کشیده شده
کالاشتغال دارد و زحمت تنفس کوتاه و مکرر بجای
هفده تا هیجده مرتبه در هر دقیقه که حالت طبیعی تنفس است
سی و دو چهل بلکه و شصت میرسد زبان خشک و باردار
و در وسط خط قرمز تیره یا سیاه نمایان شد کنارها

شفاف

شفاف و مرطوب — تمام بدن مریض خشک و سوزان
و عطش فراوان شکم نفخ کرده و حساس کثافتی که از
مجرای خارج میشود بعد از زایمان یا فوراً قطع شده
یا ابتدای متعفن میشود که خود مریض و آنهائیکه
در اطراف او هستند از عفونت آن متنفر میشوند
تهوع فواق — فی کاهی اوقات اسهال عسر العلاج
بیش از این در باب علامات تب نفاسی شرح نمیگوئیم آنچه
در فوق ذکر شد علامات اصلیه و عمده بودند که
بتوسط آنها بروز تب نفاسی را میتوان دانست سایر
علامات را که در هنگام ورم صفاق یا ورم رحم
و صفاق یا ورم عجان و صفاق میباشد در موقع خود
خواهید شناخت

علاج — اول علاج آنست که رحم و مجرا را باد واء
ضد عفونی پاک بشوئید اما کار دوا نمیشود مجرا را شست

مکر

مگر بواسطهٔ طبیب مجربی قابل و کارکرده در صورتیکه
طبیب نباشد پرستاران اگر دقت نمایند و مطالب را
که ما شرح میدهیم بتوانند درست مجری نمایند ممکن
است مریض علاج شود

(۱) اگر سوبلیمه یافت شود چهار نخود در یک بطری آب جوش
حل کرده یک مثقال اسید طرطریک (جوهر ترش) بر او
افزوده برای شستن زخم و مجری بکار برند

هر دفعه برای شستن یک استکان از این محلول را اندر ظرف
چینی یا بدل چینی بریزند (در ظرفهای فلزی از قبیل مس و
غیره این دوا را نریزند که با آنها ترکیب میشود و اسباب ضرر خواهد
شد) نیم استکان آب جوش روی آن بریزند بعد مجری را بشویند

این محلول سوبلیمه را در مکانی باید قرار داد که محفوظ باشد
که کسی غفلتاً از این دوا نخورد که سمی است بسیار
قوی و خورنده را خواهد کشت

بعد از آنکه با این دوا مجری را پاک بشستند بلافاصله
با آب جوش یکمرتبه مجری را بشویند

(۲) اگر کات کبود حاضر باشد دو مثقال آنرا نرم کوبیده
در یک بطری آب جوش حل نمایند در هنگام عمل یک
استکان از این محلول را در یک ظرف کلی لعابدار ریخته
دو استکان آب جوش با او مخلوط کرده مجری را بشویند

(۳) پرمنگنات دو پطاس هم یکی از دواهای ضد عفونی
است ولی در استعمال آن احتیاط کلی لازم است یک نخود
پرمنگنات دو پطاس را در یک من یا نیم من آب جوش حل کرده
در موقع عمل بدون آنکه آب بر او بنفش رسید مجری را با آن بشویند

(۴) یکی از دواهای کثیر الاستعمال در این موقع اسید فنیک
است یک مثقال آن را در پانزده تا شانزده سیر آب
حل کرده استعمال نمایند

(۵) استعمال اسید بوریک در این موقع چندان فایده نسبت به

چهل درهم از هشت مثقال اسید بوریك به بیست سیر آب جوش
(۶) اگر هیچ یك از این دواها حاضر نباشد میتوان محلول
پنج درهم از نمك ترکی استعمال کرد ده مثقال نمك
ترکی در بیست سیر آب جوش
(۷) میتوان عوض این دواها الکل کافوردار استعمال
نمود پنج نخود کافور در چهار سیر الکل حل کرده بیست
سیر آب جوش بر آن افزوده استعمال کنند
هر کدام از این دواها باشد در بیست و چهار ساعت چهار
دفعه باید استعمال شود شش ساعت بشش ساعت چند
روزی دو دفعه باین ترتیب رفتار شود تا عفونت
بکلی برطرف شود
اگر در مجری یا غیر آن زخمی باشد بعد از آنکه با دقت تمام
با محلولاتی که شرح داده شد بخوبی شسته شد یدوفرم
یا سونیترات دو بیسموت یا اسید بوریك بپاشند اگر

هیچ کدام از این دواها حاضر نباشد آن زخم را با محلول
نمك یا شراب بشویند پس از آن یك نخود کافور در شش
مثقال گرده بی نمك سائیده بروی آن زخم بمالند اگر اعتنای مرض
بطفل یا اسهال موجود است هر سه ساعت یا چهار ساعت
فاصله یك گندم تریاك بخورانند

کتاب سوم

جدید الولاده

فصل اول

دقتهای لازمه جدید الولاده اولین دقتها و مواظبتها
برحسب ممالك مختلف است هر کدام بشکلی و ترتیبی رفتار مینمایند
بنا بر این در این باب گفتگوئی نداریم اما آن چیزیکه معلوم
اینست که آن طفل جدید الولاده را باید مواظبت نمود
پس باید بر تمام بعضی سفارشها کرده در پرستاری و مواظبت
طفل تا اندازه اطلاعی و عدم مواظبت اسباب مخاطرات

طفل را فراهم نکنند

(۱) پس از آنکه طفل متولد شد و قنداقها و لباسهای لازمه برحسب
عادت فراهم لکن مجری شد و وقت آن شد که طفل را قنداق
نمایند ابتدا دقت در بند ناف لازم است که بخوبی بسته
شده باشد اگر بند ناف را بدقت محکم نبندند ممکن است سبب شود
که در قنداق گره بند ناف باز شده خون جاری شود
بحدیکه اسباب هلاکت طفل میشود

(۲) بعلاوه باید بخوبی سوراخهای بینی و سوراخ گوشها [زیرا]
پاک نمایند اگر بخوبی پاک نکنند آن اخلاطی که در مدت
زندگانی رحمی در این سوراخها جمع شده اند اسباب منع تنفس
طفل گشته و او را خفه خواهد کرد

(۳) باید تمام سوراخهای طبیعی بدن را رسیدگی نمایند
زیرا که هر کدام از آنها مسدود باشند اسباب زحمت و
خطر از برای طفل خواهد بود

(۴) پس از آنکه تمام این وسیله‌ها مجری شد و طفل را پاک
کردند میخواهند در قنداق بگذارند قبل از گذاشتن در
قنداق مقداری پنبه بسیار پاک در مکانهای از بدن
که ممکن است ملاصق و ملتصق شوند قرار دهند مثلاً در گودی
زیر بغل پشت گوشها دور گردن میان دو پا میان انگشتان
دست و پا این کار را از برای پیش بینی است که این مکانها مجروح
نشوند بسا اتفاق افتد که بواسطهٔ بی احتیاطی این مکانها
مجروح شده اسباب بروز باد سرخ و [illegible] گردیده آنهم
ممکن است بعوض پنبه در این مکانها گرد برنج یا برنج
سائیده نرم یا خاکستر سفید هیزم یا خاکستر زغال هیزم
بپاشند بشرطیکه این خاکسترها و گردها خیلی نرم باشند
و بوی بدی نداشته باشند اگر اندکی زبری داشته باشند خود زبری گردها
اسباب جراحت زیاد شده همان امراض را سبب خواهند شد

ثانیاً عوارض و اتفاقات بعد الولاده

(۱) اختناق (خفگی) اغلب اتفاق افتد وقتیکه طفل متولد
میشود رنگش بنفش بلکه بشدت سیاه است و فریاد هم نمیزند
در این حال باید فشنگ آب سرد بصورتش بزنند و مقابل
هوای سردش نگهدارند و بند ناف را باز کنند تا بقدر یک
یا دو مثقال خون از او جاری شود اگر باین تغییرات حالتش
بهتر نشد و رنگش باز نگردید و بحال طبیعی برنگشت اولا دهان
او را از اخلاط پاک نمایند بعد دهان را در دهان طفل گذاشته
بآرامی در دهان طفل فوت نمایند و بقوت نباید پف کرد
چه ریه طفل نازک و لطیف است پاره میشود اگر باد دهان بجوفی
هوا وارد ریه طفل نشد لوله هر چه باشد (پر قاز وغیره)
ابتدا آنرا بجوشانند داخلش را پاک نمایند تا گرد و خاک در داخل
آن لوله نباشد بعد لوله را در دهان طفل قرار داده با هم
دیگرش پف کنند بطوریکه هوا داخل ریه خواهد شد
گاهی هم میشود که زبان طفل بعقب افتاده و جلو مجرای تنفس را

گرفته است قبل از وقت باید مواظب این حالت بود که اگر
چنین اتفاق افتاده است زبان را با سر انگشت کوچک گرفته و از مجرای
تنفس دور کرده بعد در ریه فوت نمایند و وسیله دیگر هم
از برای اینکار هست که بتوان با آن استعانت جست دو نفر نیز
که زبان را خارج کرده در ریه فوت کنند دیگری دستهای
طفل را گرفته تا مقابل شانه طفل بلند نمایند و بلند کردن
دستها با پف کردن باید هم زمان باشد بعد از آنکه پف
کردند و دهان را برداشتند دستهای طفل را هم پائین آورند
و اندکی صبر نمایند باز مکرر این عمل را مجری دارند اگر تغییر از این
ترتیب حاصل نشود عمل بی نتیجه خواهد بود نباید از تکرار این عمل
تنبل و کسل شده عمل را ول کنند بلکه با کمال جدیت و ثبات
این عمل را چندین مرتبه مکرر نمایند چه بسا اتفاق افتاده طفلی را
که یقین به مردنش بوده است بواسطه همین عمل نجات داده اند
(۲) غش - آن نیز یک قسم مرضی ظاهر شده برای طفل

در این حالت بواسطهٔ میل الدم خفقان دست نداده است
بر خلاف بواسطهٔ بی خونی است بر حال از حالت اول خطر
تر است که بواسطهٔ میل الدم خفقان حاصل شده است
(اولاً) در این حالت فوراً بند ناف را محکم باید بست که خون
از آن جاری نشود

(ثانیاً) طفل را در حمام آب گرم باید گذاشت پس از آنکه
از آب خارج کردند در یک پارچهٔ پشمی گرمی بپیچند
بعد چند دفعه ترشح آب گرم بر صورت و پشت طفل کرده
اثرهای کلی کرده است اگر از تمام اینها اثری حاصل
نشد اعانت بجوئید به تنفس مصنوعی که ذکر شد

کتاب سوم

در باب نفاس طبیعی

فصل اول

دقت و احتیاط

این حالت تا زوقتی که زن فارغ میشود بروز میکند
و تا وقتی که رحم بحالت طبیعی بر گردد موجود است پس از
آنکه رحم بحالت طبیعی بر گشت تب هم موقوف میشود از
ابتدا تا انتهای این حال چهل روز طول میکشد در این
مدت زائوی بیچاره معرض آفات متعدد است زیرا که
باندک اسبابی ممکن است مرض خطرناکی از برای او فراهم شود
بنابراین قدما حق داشته اند که میگفتند قبر زائو تا چهل روز
باز است (یعنی زائو تا چهل روز در معرض آفات مهلکه است)
و باید دانست که حالت خطر در تمام مدت چهل روز یکسان نیست
در پانزده روز اول خطر نزدیک تر است هر قدر از پانزده
روز اول بگذرد خطر دورتر است و ابتلای بامراض کمتر
زمانیکه زائو برخیزد محل خطر است از روز ششم است
تا روز دهم در مدت این پنج روز حتی الامکان باید مواظب
حال زائو بود و بسیار احتیاط نمود در وضع غذا

واشربه و مکان زائو

هرگاه در این مدت بسلامتی زائو را مایلید و میخواهید زائو
هیچگونه مرض مبتلا نشود بدقت تمام ترتیبات ذیل را که
شرح داده میشود رفتار نمائید اگر غیر از این باشد دانسته
و دستی مریض را در معرض آفات خطیر قرار داده اید

(۱) اولاً در مدت هشت روز کسی نباید در اطاقی که زائو
خوابیده است وارد شود

(۲) اطاق زائو باید عاری باشد از چیزهای غیر لازمه
از قبیل زینتهای اطاق و رختخوابهای اضافه بر
احتیاج زائو و غیره که وجودشان لازم نیست

(۳) اطاق زائو باید وسیع و فضادار باشد و بسیار
پاکیزه و عاری از کثافات باشد و بخوبی جریان هوا
در آن مجری شده بسیار روشن باشد

(۴) هوای اطاق زائو باید مکرر تجدید شود خصوصاً در زمستان

همه روزه ساعتی یک مرتبه باز شود درها و پنجرهها تماماً
اطاق بعد از یک تا دو دقیقه در شب هر سه ساعت یک مرتبه
در زمستان تمام مدت روز درها و پنجرهها باید باز شود در
چهار پنج مرتبه باز شود هر دفعه مدت پنج تا شش دقیقه باز باشد

(۵) بجز یک نفر پرستار کسی حق ندارد در شب در اطاق زائو بخوابد

(۶) هر قدر ممکن است اطاق زائو از حوض و غیره دور باشد
زیرا اکثر اغلب بواسطه نزدیکی اطاق بحوض و غیره مریض
بتبهای آجامی (تبهای مردابی) مبتلا میشود که تشخیص آن
از برای طبیب هم مشکل میشود اغلب در مریضخانها این
حال دیده شده است

(۷) در نزدیکی اطاق یا در مجاورت آن مبال و کثافتهای متعفنه
و چیزهای دیگر که اسباب تعفن هوا میشوند نباید موجود باشد

(۸) کسیکه مواظبت و پرستاری را اختیار نموده مریض بعهده او
همه دفعه قبل از اشتغال بعمل دستها را با آب گرم و صابون
پاک

باید بشویند

(۹) پارچه‌هائیکه از برای جراحت‌بندی مریض بکار
میروند همینکه از بدن مریض دور کردند فوراً آنها را در
جای بسیار دوری بیندازند که ذرهٔ از آنها در اطاق مریض نماند

(۱۰) پارچه‌های جراحت‌بندی مریض را همه دفعه باید بشویند
نه در آب سرد چرک بلکه در آب جوش فراوان و با صابون
بجوشی بشویند

(۱۱) آب خوراکی زائو آب جوشیدهٔ سرد شده باشد یعنی
آبیکه در سماور جوشیده و خود سرد شده باشد نه
بواسطهٔ اضافه کردن آب سرد

(۱۲) اگر تمام حالتهای جراحت وغیره موافق حال طبیعی
است در تابستان روزی سه مرتبه در زمستان روزی
دو مرتبه عوض کردن کهنه کفایت کند
عادت تا در این مواقع زنها آنچه کهنه قدیمی کثیف دارند

بکار میبرند این خطای بسیار بزرگیست بلکه از برای این
کار باید کهنه تازه و پاکیزه و بی رنگ بکار برد (یعنی رنگ
کهنه سفید باشد رنگ دیگر نباشد) و این شرط اخیر که
باید کهنه سفید و بی رنگ باشد بسیار مهم است زیرا که
پارچه‌های رنگی بواسطهٔ آن رنگ خود با کثافتها که از زن
دفع میشود ترکیب شده تولید بعضی سمها نماید که از مجرا
وارد بدن شده زائو را مسموم کرده هلاک نماید

(۱۳) اگر در مدت بیست و چهار ساعت مزاج زائو عمل نکرد
و اسباب درد شد و سر زانو درد گرفت با امالهٔ ذیل ای ۲ باید
معالجه کرد پنج تا شش مثقال نمک تلخ که در آب جوش حل
کرده تنقیه نمایند یا پنج تا شش مثقال روغن کرچک یا بهتر از
همه آنستکه همین مقدار روغن بادام شیرین تنقیه نمایند

(۱۴) تغذیهٔ زائو باید مناسب باشد با قوه و بنیهٔ او
اگر قوی البنیه و دموی مزاج است سه چهار روز اول باید

پرهیز نماید تا هنگام بروز شیر خود اکنون باید منحصر باشد
با آبگوشت بی چربی و آش ساده بعوض آب دم کرده گل زیرفون
یا بابونه شیرازی یا شربتهای مختلفه بی ترشی

اگر برخلاف ضعیف البنیه و لاغر است و کم خون نمیتواند
پرهیز سخت را تحمل نماید از روز اول باید آبگوشت و آش
صبح و روزی دو دانه زرده تخم مرغ یکی صبح یکی ظهر با قدری
نان دو آتشه بعلاوه کباب گوجه فرنگی داد و آش برنج
یا آش مغز نان بخورد

اگر خیلی ضعیف البنیه است روزی سه مرتبه در هنگام
غذا دادن قدر سه مثقال شراب سفید کهنه شیراز اگر
مال شیراز یافت نشود مال اصفهان با دو برابر وزنش
آب مخلوط کرده بخوراند بسیار مفید است

(۱۵) اگر شنیده شد که در خانه دیگری زائو مرده است
حتی الامکان سعی کنید کسی از اهل خانه یا همسایگان

آن

آن خانه در منزل شما وارد نشوند زیرا اگر ممکن است که یکی
از آنها ماده مرض را نقل کرده بجاور شدن او با مریض
یا ورود آن در خانه شما ماده مرض را انتقال بدهد بدن
مریض شما و اسباب هلاکت او را فراهم نماید

بخاطر داشته باشید آنچه را که در فصل گذشته در باب
انتخاب قابله ذکر شد هر قابله که در زیر دست او مریض
مرده است برای زائوی خود حاضر نکنید اگر قابله منحصر
بهمان یکنفر باشد زائو را بحالت طبیعی واگذار کرده خوبان
مواظبت نماید بهتر است تا آمدن آن قابله زیرا که وجود
آن قابله اسباب هلاکت زائو میشود و در مواظبت
بودن خود تان خطر هلاک از برای مریض نیست

اگر منزل زائوی مرده در منزل شما یا در مجاورت منزل
شما است بدون ملاحظه خستگی و سرما و گرما و شب و
غیره فوراً مریض خود را در مکان دیگر برده و او را

از مرض

مردن نجات دهید در جلو اطاق مریض و اطاق خود تان
در هر یک قراولی قرار دهید که کسی وارد نشود این هنگام
قوم و خویش و احترام بزرگی و کوچکی و سایر رسومات تمام
مرتفع است زیرا که جانی در معرض هلاکت است حق گله
ندارد صاحب مریض هم حق خجلت ندارد از برای ممانعت
اشخاص مختلفه از قوم و خویش وغیره.

این فقط البته قدری مهم است که نمیدانم چگونه شرح دهم و
سفارش نمایم این جزو گنجایش آنچه را که لازم است در
اهمیت آن شرح دهیم ندارد

آنچه در این باب ذکر شد نه فقط از برای وجود انسان
بلکه تمام حیوانات که مال منزل زائو و مرده یا مال
همسایه اوست نباید در خانه شخصی که زائو دارد وارد شود
تمام اقسام احتیاط و سهل و دهها تا مدت مدیدی
باید. مابین اهل خانه که زائو دارند با آن خانه

که

که زائوی آنها مرده است مقطوع شود
راه خلاصی از مرگ و سلامت بودن منحصر است بهمین که
شرح دادیم اگر برخلاف این سفارشها رفتار شود
اسباب هلاکت مریض فراهم است

فصل دوم

ترکیبات تب نفاسی

خطیرترین ترکیبات تب نفاسی ترکیب عفونی است
اما قبل از آنها مختصری از ترکیبات سبک آن میگوییم

اولاً ترکیبات سبک

(۱) اغلب از زنها بطور عمومی دارای درد بعد از زایمان
میباشند (پس درد) که تا چند روز بعد از فارغ شدن
این درد هست هر وقت بیشتر برآید این درد بیشتر است
بودن پس درد از برای تمام زنها محقق و ثابت است
گاهی این درد بحدی شدید است که زن برخاستن تحمل نما

میتواند

میتوان این نوع درد را با استعمال تنقیه که مرکب باشد
از یک استکان چای خوری آب گرم ده قطره لادانم یا
سه گندم تریاک تسکین داد
یک گندم تریاک بخورانند اگر لازم شود این مقدار
خوردن تریاک را در بیست و چهار ساعت دو تا سه
دفعه مکرر نمایند سه قاشق لادانم (قاشق چای خوری)
یا سه نخود تریاک را در پنج تا شش مثقال روغن بادام
تلخ مخلوط کرده بشکم و زیر دل بمالند اغلب این تدبیرات
مفید واقع میشود یا بکلی درد را دفع کرده یا اندکی
آن را کمتر کند

(۲) گاهی اتفاق افتد که این نوع درد را آنها که کم زائیده اند
اتفاق افتد این درد غیر از پس درد معمولی است یکنوع
ترکیبی است که بکلی خارج از آن پس درد است و این حالت
حاصل میشود وقتی که یک لخته بزرگ خون جلو مجرای را سد
میکند

میکند و مانع جریان رطوبت میشود و گشاد فم داخل رحم مانع
این عارضه را میتوان شناخت باینکه فشاری بزیر دل وارد
آرند اگر درد بتمام اطراف شکم منتشر شد از سد شدن
مجرای حاصل شده است و الا جهت دیگر دارد در این حالت
میتوان با ضماد خردل بسیار گرم که هر دو ساعت
بدو ساعت عوض نمایند معالجه کرد اگر با ضماد معالجه
نشد باید آب زدن آب گرم که قبلا از وقتان را جوشانیده
و بعدا از نا سرد شود در مجرای بریزند درجه حرارت آب را
باین ترتیب باید امتحان کرد یک استکان پاک در آب فرو
کرده قدری از آن را بردارند در خارج امتحان نمایند
و ظرف آب را در آب که برای سرد شدن میگذارند باید
بنحوی بپوشانند که چیزهای خارجی داخل در آن آب نشود
و نباید فراموش کرد شستن دست را با آب گرم و صابون
قبل از آب زدن

اگر

اگر با این وسائط علاج نشد دستها را با آب گرم و صابون خوب شسته نظیف نمایند و انگشتها یا تمام دست را اگر ممکن شود در مجری داخل کرده لخته خونی که مجری را سد کرده خارج نمایند بمحض خارج شدن لخته خون فوراً کثافات و رطوباتی که در رحم جمع شده است خارج و مریض راحت خواهد شد

(۳) با تمام این عوارضات نباید رطوبات و کثافات داخل رحم عفن باشد اگر خدای نخواسته عفن باشد مقدمه عفونت است و اسباب هلاکت میشود الحمد لله که این حالت عفونت ندرتاً حاصل میشود هرگاه این کثافات و رطوبات اضافه بر معمول در رحم بماند حال آن تعفن کرده عفن خواهد شد در همان وقت تمام حالات و دلائل آن رطوبت تغییر یافته تب عفونی و نفاسی ظاهر میشود وقتی که اثری از این حال بروز کرد یعنی همینکه پدید شد باید

باید پیش بینی کرد و با دواهای ضد عفونی داخل مجری را آب زد لذا این عمل هم آسان است هم مشکل آسان است باینکه بخوبی تهیه دوا کرده و مجری را آب زده بزنند مشکل است از این راه که اغلب نهایت بی احتیاط مبتلاند بدون شستن دست این عمل را مجری داشته علاوه بر آنکه مریض معالجه نمیشود بواسطه کثافت دست آنها مرض دیگری هم افزوده میشود

(۴) تب — زائو در ابتدا نباید تب داشته باشد و ضربانات نبض همه وقت از صد باید کمتر باشد بمجرد اینکه نبض از صد تجاوز کرد تب ظاهر شده فوراً سبب را باید جستجو کرد نه اینکه آرام نشست تا سبب خود بخود آشکار شود این اسباب ممکن است بسیار باشد از قبیل امراض حاد سرما خوردگی خستگی اغتشاش لوله هضمی یا بعضی چیزهای دیگر که سخت تر از اینها باشد از قبیل ذات الریه (ورم شش) ذات الجنب (سینه پهلو) اوجاع مفاصل

(درد مفصل) یا بعضی امراض دیگر که در این لوحه نشان نداده‌ایم
و ذکر آنها مشکل است

(۵) جراحات — گاهی هم ممکن است سرعت نبض و ظهور
تب از جراحت یا خراشی باشد که در داخل زخم احداث شود
بعد از امتحان اگر علت جراحت مجرای درد زخم باشد فوراً
در صدد علاج باید بر آمد چهار مثقال پوست بید
یا پوک کرده و در دویست سیر آب جوشانیده که پانزده سیر
آن باقی بماند بعد زخم را با این جوشانده خوب بشویند و
کهنه در این جوشانده تر کرده بروی زخم نهاده هر سه تا
چهار ساعت یکمرتبه این عمل را تجدید نمایند

عوض این جوشانده ممکن است پنج نخود کافور را با پنج سیر
عرق مخلوط کرده ده سیر آب جوش بر آن افزوده و استعمال
نمایند هرگاه هیچیک از این دواها یافت نشود با محلول یک
در هزار نمک ترکی بشویند مقصود اصلی پاک نگاهداشتن

و مجاور نشدن آن با اجزای خارجه است
چون تب آجامی در این ناحیه کثیر است (تبهای نوبه) لهذا
با اغلب امراض همراه میباشد گاهی در ازای نوبه حالت نوبه
بروز میکند بواسطه قشعریره (لرزش) یا بحالت سکوت که
یا بحالت خستگی متعاقب هر یک از این حالها حرارت در
بدن احداث شده بعد از زمانی حالت عرق دست داده حرارت
مرتفع میشود برای امتیاز این تب از سایر اقسام تبها
ملاحظه چند چیز لازم است

(۱) تبهای نوبه از نصف شب شروع شده ظهر ختم میشود
یا اینکه صبح شروع شده نصف شب عرق کرده تب قطع میشود
گاهی میشود برحسب اقسام تب چند ساعت یا چند روز
طول کشیده بعد عرق کرده تب موقوف میشود و حال آنکه
سایر اقسام تبها وقتی که تب شروع کرد دیگر تخفیف نیابد
تا وقتیکه مرض اصلی و سببی نهاده آنوقت تب هم

خفیف شود و وقتیکه مرض اصلی بکلی خوب شد تب
نیز موقوف میشود

(۲) تبهای نوبه غالباً در تمام اوقات زایمان بروز کند
و حملات آن بطور منظم حاصل شود یك در میان دو روز
در میان سه روز در میان در فاصلهٔ بین حملات حال
مریض بکلی بدون کسالت است و هیچ نوع نقاهت ندارد

(۳) تب نوبه در تمام اوقات زایمان حاصل میشود و حال
آنکه تبهای نفاسی و عفونی ظاهر نمیشود مگر از روز ششم بعد

(۴) تب نوبه بخوردن گنه گنه تسکین یابد و در سایر اقسام
تبها گنه گنه چندان اثری ندارد

پس از آنکه تب نوبه معین شد استعمال گنه گنه بهترین
گنه گنه وسایط معالجه است چهار تا پنج نخود در روز نوبه
وقتی که تب نیست بخورند و چند روز متوالی گنه گنه
استعمال شود اگر از خوردن گنه گنه تب قطع نشد معلوم است

که

که تب نوبه نیست بلکه از اقسام تبهای نفاسی و عفونی
و غیره میباشد از برای تب سه ساعت بسه ساعت یا
چهار ساعت بچهار ساعت آنتی پیرین با دو نخود فناستین دو نخود
باید داد تا مرض تسکین یابد یعنی تب قطع شود اگر اثری
از آن جهت تب معلوم شد ترکیبات گنه گنه باید استعمال کرد
دو نخود گنه گنه بفاصلهٔ دو ساعت و نخود دیگر بفاصلهٔ
[illegible] ساعت دیگر بخورانند بهتر آنست که هر دو نخود گنه گنه
با یك نخود آنتی پیرین یا فناستین مخلوط باشد

اگر وقوع و قی هست قطعهٔ کوچك یخ بتدریج بخورانند
برودت معده از خارج قدری یخ بگذارند و شربت ترش نیز
بسیار مفید است از قبیل لیموناد و شربت نارنج و غیره

تمام بدن مریض را جستجو نمایند ببینند که در بدن لکه پیدا
شده است که رنگ آن قرمز مایل بسیاهی یا سیاه باشد
اگر چنین لکه در بدن یافت شد مقدمهٔ غانقرایا است

فوراً

فوراً آن لکه را با شراب قرمز بشویند و کهنه را در شراب
ترکرده بروی آن بگذارند ساعت بساعت آن کهنه را عوض
نمایند و مریض را شکلی باید خوابانید که آن لکه بالا واقع شد
سنگینی بدن مریض بروی آن نباشد و ملاصق بازمین نشود
اگر ورمی در بیخ ران پیدا شود اولا نباید گذاشت که مریض
آن موضع را حرکت دهد با روغن بادام شیرین یا روغن زیتون
چرب کرده با پنبهٔ حلاجی شده پاک ببندند چون این رساله
گنجایش بیش از این نداشت لهذا اهمترین معالجات
آن را ذکر کرده و ما بقی را اگر چندان مهم نبود چشم
پوشیدیم غذای مریضه باید منحصر باشد بآبگوشت جوجه و
شیر بجهت دفع عطش میتوان بعض شربتهای ترش تجویز کرد

فصل سوم — در تغذیه طفل

(اولاً) تغذیه طبیعی یعنی شیر مادر

(۱) فواید تغذیه طبیعی — تغذیه طبیعی که نه کوچک نه

بزرگ

بزرگ نه دولتمند نه فقیر مستثنا شده در جلو سینه تمام زنها
یک جفت پستان آویخته است برای تغذیه جدید الولاده‌ها
بطور کلی خطای بزرگی است که بعضی دایه و پستانک را
بشیر مادر ترجیح میدهند

گاهی اتفاق افتد که طبیب بعضی ملاحظات خارج حکم
کند که طفل را دیگری غیر از مادرش شیر دهد زیرا که
چون مادر طفل مریض است یا ضعف مزاج دارد لهذا
شیر او برای طفل باعث ضرر است در غیر این حالها خود
مادر باید طفل را شیر دهد آنهائیکه این لوحه را مطالعه
میکنند ملتفت خواهند شد که ترتیبات و رفتارهای
طبیعی چه قدر ترجیح دارد بر ترتیبات و رفتارهای مصنوعی
مگر وقتی که جهتی از خارج منع نماید ترتیبات و رفتار
طبیعی را عقل انسانی هم ترتیبات سهل و سادهٔ طبیعی را
بر ترتیبات اجباری مصنوعی ترجیح میدهد

دلیل

دلیل بر صدق این مقال این است که اطفال اغنیا که اغلب
بواسطه شیر دایه یا پستانک تغذیه مینمایند غالباً لاغر
و علیل المزاج میباشند اطفال فقرا و متوسطین که جز
شیر مادر خود تغذیه دیگری ندارند غالباً قوی البنیه
و صحیح المزاج میباشند اختلاف حالت این دو طفل دلیل آن است
که رفتارهای طبیعی ترجیح دارند بر رفتارهای مصنوعی
بعلاوه اطفال اغنیا که در دقت و پرستاری آنها قصوری
نیست ساعتی در بغل یکی و هر هفته دایه او را عوض کرده
لباس او چقدر پاکیزه مکان آنها چقدر خوش معهذلک غالباً
مریض علیل المزاج ضعیف البنیه رنگ پریده بی خون و از اندک
تصرف هوا مدتی ناخوش میشوند اطفال متوسطین و فقرا
که جز شیر مادر تغذیه دیگری ندارند بدون پرستار صحیح و
اغلب اوقات مکان آنها در روی خاک و گل ترتیب درستی
از برای عوض کردن لباس ندارند معهذا غالب آنها

قوی

قوی البنیه با رنگ سرخ و سفید دستها و کرما کثیر الطاقت
و کمتر بمرض ناخوشی واقع شده اگر انسان درست تفکر تامل نماید
میفهمد آنهائیکه در ظاهر غنی میباشند در باطن فقیر و
بالعکس آنهائیکه در ظاهر فقیرند در باطن غنی میباشند
آنهائیکه از جهت ثروت دولتمند میباشند از جهت نشو و نمو
مسکین و آنهائیکه از جهت ثروت فقیر میباشند از جهت
نمو و غیره دولتمند ند

پس از این تحقیقات معلوم شد که غنی بودن پدر و مادر از
برای طفل یکنوع بدبختی و زحمت است و یکنوع اسبابی است
از برای جذب مرض نه اسباب راحتی و دفع کننده مرض چون
در اول تولد طفل از دو جهت غنی و فقیر شمرده میشود
یکی شیر مادر دیگری مواظبت شخصی مادر از هر دو جهت
اطفال فقرا بر اطفال اغنیا برتری دارند پس میتوان گفت اطفال
فقرا دولتمند و اطفال اغنیاء فقیر میباشند

ذکر

در واقع لباسهای اطفال اغنیا که ظاهراً از پارچه‌های
گرانبها و زود زود چرک شده روزی یک مرتبه عوض میشوند
مگر اسباب بدبختی آن اطفال زیرا که برداشتن این قسم لباسها
از جهت تغذیه فقیر و دستتنگ میباشند و بالعکس اطفال
فقرا لباسهای آنها چرک و پارچه‌های پست و محل استراحت
آنها در روی زمین خشک و بی‌فرش است ولی از جهت غذا
بر اطفال اغنیا رجحان دارند زیرا که غذای اینها در کمال
خوبی و فراوانی است تمام این اختلافات که ذکر شد نیست
مگر از این جهت که اغنیا بواسطهٔ آن رسوماتی که دارند
اطفال خود را از جهت لباس و رختخواب و غیره زینت نموده
ولی از جهت تغذیه بی‌مبالاتی کرده هر ساعت غذائیه
میسپارند که معلوم نیست حال و مزاج او چیست مریض
یا سالم بالعکس فقرا از جهت لباس و رختخواب و غیره
زینتی ندارند ولی خوشبختانه از جهت تغذیه از اول
تولد

تولد تا هنگام تمام شدن شیر از پستان مادر خود که
معلوم الحال است تغذیه مینمایند

چون تمام مدت زندگانی انسان مربوط است بتغذیهٔ
زمان طفولیت لهذا آنهائیکه در اول طفولیت تغذیهٔ
آنها بعلتهائی که ذکر شد بیقاعده بوده است تا آخر عمر
همیشه در معرض امراض واقع و با اندک انقلابی محتاج
بطبیب میشوند و بعکس آنهائیکه در اول طفولیت بخوبی
تغذیه کرده‌اند همه وقت بنیهٔ شان قوی و کمتر مریض و
محتاج بطبیب میشوند مگر صدمهٔ کلی بر آنها وارد
شده ایشان را مبتلا بمرض نماید

تمام این ترتیبات از برای این ذکر شد که در شیر دادن
اطفال بصیر باشید قسمی آنها را تغذیه دهید که
در تمام مدت عمر راحت و بی‌صدمه باشند

(ثانیاً) قانون و طریقهٔ شیر دادن

اول

اوّل کاری که باید کرد آنست که قوّهٔ هاضمهٔ طفل را تقویت
باید دانست طفل قوی الجثّه بیشتر شیر هضم میکند تا ضعیف
(۱) مقدار شیری که باید هر دفعه بطفل داده شود
امّا باید دانست بطور عمومی که نباید شیر اضافه بر ظرفیت
معده بطفل خورانید گمان نکنید که طفل بخوردن شیر
زیاد چاق و فربه میشود بلکه بعکس است شیر زیاد وارد
معدهٔ طفل میشود اگر از ظرفیت معدهٔ آن بیشتر باشد دو
عیب حاصل میشود یکی آنکه مقداری از آن شیر هضم
نشده دفع میشود (همان حالت شیر بد و یا اینکه
معده تصرّف نماید از معده بروده ها میرود) دوم
بقیهٔ شیر هم که در معده مانده است معده نتواند
درست تصرّف نماید و بطور ناقص او را تحلیل برده ما
زحمت از برای خود و سایر اعضا فراهم میکند بواسطهٔ
اینکه غذا درست هضم نشده و نضج نگرفته وارد اعضا
شده

شده آنها را بزحمت انداز دو اسباب مرض آنها شود و
باین واسطه طفل برخلاف خیال شما همه روزه ضعیف و
لاغر شده تا وقتی که بکلّی تمام و طعمهٔ اجل میشود
این نکته بسیار دقیق است که بسا میشود که طفلی ممکن است
حریص و تشنهٔ میل شیر خورده ولی پس از آنکه مدّتی با این حال
شیر خورد و معده را خراب کرده دیده شود که دیگر میل شیر
نداشته بتدریج کم غذا و لاغر میشود و مادر او کورانه
جستجوی سبب کند طبیب بیچاره هم از نادانی امتحان شیر
نموده گمان میکند که علّتی در شیر پیدا شده است پس از
آنکه بعقیدهٔ خود در شیر عیبی ندید فکر میکند و اختراع
انواع کم خوراکی طفل مینماید و ابدا سبب اصلی مرض را ندانسته
پس از آن استعانت بدوا جسته دوائی میدهد چون از این
بهتر نشد دوای دیگر بهتر است هم چنین تا بقیهٔ قوّت و بنیهٔ
طفل را که باقی مانده است بواسطهٔ دواهای مختلف تلف
نموده

نموده بتدریج طفل بیچاره زاید و بامیکه سبب جهت
مرضش را بدانند هلاک میکنند

اگر طبیب غیر آن ملاحظهٔ زبان و حالت دانیمیند هیچ چیز
آسانتر از معالجهٔ این حالت طفل نیست کشیدن طفل
هر روزه و در هر وقت شیر او بهترین قانونست از برای
دانستن حالت تغذیهٔ طفل هر هفته طفل را باید کشید
سنگین شدن و سبک شدن وزن او حالت تغذیه او را مینماید
باید دانست که طفل تا ده روزی یا پانزده روز بعد از تولد وزنش
کم شده چه از اطفال فقرا و چه اطفال اغنیا باشد پس از آن
شروع بسنگین شدن نموده اگر بعد از این پانزده روز
با همان حالت روز پانزدهم باقی ماند یا وزن او کمتر
شود دلیل بر آنست که تغذیه اش درست نبوده و بعسرت
انجام یافته از این بابت ترقی نکرده است یک علامت
دیگر هم برای بد حالی طفل موجود است که شناختن

آن آسانتر از آنست که ذکر شد و آن حالت قی کردن
طفل است اگر چه در این مطلب نیز ما را عقیده بر آنست که
نباید به طبیب رجوع کرد زیرا که این حالت قی را طبیبی اطفال
میدانند نه حالت مرضی و معتقدند که هر طفلی که قی
نکند مریض است بلکه بسیار متعجب میشوند که حالت
قی طفل را که بنظر آنها حالت طبیعی است طبیب معالجه
نموده عقیدهٔ دیگر هم دارند که بد درجات بهم رسانیده
از اقوال میگویند طفلی که حالت قی نداشته باشد نمو
نمیکند اگر هم حالت قی طفل را اغلب میگویند که فی
بوده است و بعد کفایت قی نکرده است لهذا غذا در معده
مانده و فاسد شده است و اسباب هلاک طفل گردیده ما
باید دانست که قی در هیچ کس چه طفل چه جوان حالت
طبیعی نیست و حالتی است مرضی هر دفعه معده غذای
داخل خود را بحالت قی دفع کند یک زحمت و صدمهٔ

نوع لطافتی از برای معده حاصل میشود
این هم محقق است که حالت قی در اطفال بقدر جوانها
خطیر و مهم نیست با وجود این اگر حالت قی اطفال را جلوگیری نکنند
ممکن است خطیر شده اسباب هلاک طفل گردد
پس در دفعه اول که بروز کرد باید جلوگیری و معالجه نمود
نباید منتظر شد که مرض شدت کند زیرا که چون مرض شدت
نمود معالجه آن نیز مشکل شده بسا در دفعه اول بلع
جزئی دفع ولی پس از آنکه قی مکرر شد نتوان معالجه کرد
اولین معالجه و بهترین راه از برای دفع حالت قی مرتب
کردن غذای طفل است یعنی کم غذا دادن و بوقت دادن
غذا این قانون باید همه وقت در حالت قی اطفال مراعات
شود برای بند آوردن قی و تسکین حال معده که منقلب
شده است ساعتی یک قاشق چای خوری از آبهای معدنی قلیائی
از قبیل آب ویشی یا آبهای دیگر اگر موجود باشد و اگر یافت

نشود محلول جوش شیرین که یک قاشق چای خوری جوش شیرین را
در یک استکان چای خوری آب حل کنند بدهند هر وقت قی کوچک
فاصله پیدا کند دوا را فاصله دهند بهتر آنست که بعد از
هر دفعه شیر خوردن یک دفعه از این دوا بطفل بدهند
(۲) شرط دیگری که در واقع اهمیتش از شیر دادن کمتر نیست
غذا را بطور نظم و بفاصله های معین دادن است دو
ساعت یا سه ساعت فاصله شیر دادن برای طفل کمال ضرورت را
دارد اگر فاصله کمتر از دو ساعت شود هنوز شیر اول هضم نشده
شیر دومی داخل معده میشود و از برای او مزاحم میشود و از
عمل او را باز داشته و معده از عهده هضم بر نیامده لهذا
اسباب زحمت میشود اگر فاصله از دو ساعت بیشتر شود طفل
گرسنه شده و گرسنگی اسباب زحمت طفل شده و بدنش
بتدریج ضعیف خواهد شد
این فاصله که از برای شیر دادن معین شد در واقع در روز

ساعت نیست بلکه از برای اینست که عمل طبیعی معده
درست مجری شود و آنهم از ظاهر حال طفل معلوم میشود
پس تمیز دادن سیری و گرسنگی طفل بعهده مادر است که
موقعش را بداند هرگاه مادر یا پرستار نتوانند موقع
گرسنگی و سیری را تمیز بدهند بهتر آنستکه فاصله شیردادن را
بیشتر از دو ساعت قرار دهند مادرها در این باب خواهند
گفت هنگامی که طفل گریه کند موقع شیر دادن است جواب
خواهیم گفت که این حرف درست نیست زیرا اگر گریه
طفل بعد از دو ساعت باشد ممکن است بگرسنگی حمل
کرد ولی اگر قبل از دو ساعت باشد ممکن است از جهات
دیگر باشد که ربطی بگرسنگی نداشته باشد یا اینکه درد
شدت کردن او را زیاد فشار داده یا مزاجش عمل نکرده
یا درد در شکم او بوده یا دردی در گوش داشته و
یا سنجاقی یا خاری و امثال آنها در لباس او باشد که سبب شده

فرو رفته و اسباب گریه او شود پس معلوم شد که اگر
طفل در فاصله دو ساعت گریه کند سببش غیر از گرسنگی
است و باید جستجوی سبب کرد پس در هنگامی که طفل گریه کند
بخواهند او را بدادن شیر ساکت نمایند غیر ممکن است
زیرا که سبب گریه او اغلب غیر از گرسنگی میباشد و دادن
شیر رفع سبب اصلی را نکند و علاوه بر خلاف مقصود گریه
شدید شده و اگر سبب گریه درد شکم باشد یقین
بخوردن شیر گریه مضاعف خواهد شد

(۲) در باب دایه

این موضوع بسیار مهمی است که بلدجات از شهر دارند هم تا
در فصل گذشته از این مقوله کمتر شرحی گفته شد
پس در این فصل مشروحاً ذکر میکنیم
چون سلامت وجود طفل مربوط بوجود دایه است لهذا
شخص دایه باید از تمام عیوبات عادی پاک باشد آنکس که دایه شده

وطفل را شیر میدهد باید دارای شرائط ذیل باشد

(۱) دایه باید جوان باشد زیرا که شیر دایه پیر همه اوقات از نتایج اعضا سست شده و برای طفل صلاحیت ندارد

(۲) دایه باید گندم گون باشد نه سفید زیرا که آدم سفید بنیه بدنش بلغمی و سست است و شیر او بقدر شیر گندم گون قوت ندارد

(۳) دندانهایش باید سالم باشد و فاسد نبوده هیچگونه زخمی در لبها و لثه ها و در حلق و بینی و در سوراخهای بینی و غیرها نداشته باشد

(۴) ناخنهای او بدون شکستگی و نقصان باشد

(۵) صدایش دارای حالت طبیعی باشد یعنی بدون گرفتگی بوده تو دماغی حرف نزند

(۶) جراحتی در دو پستان نداشته باشد و تمام این شرائطی که ذکر شد باید کامل باشد بعلاوه باید جستجو کرد نه دارای مرض کوفت و غیره چرکی و جرب کسی نباشد چون

این مرضها اغلب در طهران و اطراف آن شیوع دارند بعلاوه بعضی شرائط نیز هست که از این شرائط کمتر مهم نیست و مهم ترین آنها این است که باید جستجو کرد که مسلول نباشد

(۷) دایه باید سرفه نکند و خلط از سینه او نیاید

(۸) دارای تب دقی و خروج خلط از سینه نباشد

(۹) شب در خواب خرخر نکند

(۱۰) لاغر نباشد

(۱۱) در فقدان این حالها نبض او ضعیف نباشد

(۱۲) سابقاً مبتلا باسهال نبوده باشد

در فقدان تمام این عیوبات باز باید از چیزهای دیگر جستجو کرد

(۱۳) پستانهای او سالم و مستحکم باشد و باز جستجو کنند

(۱۴) دارای خواب سبک باشد زیرا که خواب سنگین از برای طفل خطر دارد

باید بعلاوه

(۱۵) نسبت شیر دایه مساوی باشد با سن طفل یعنی اگر
طفل جدید الولاده دایه باید بدست آورد که سن طفل دایه
مساوی باشد با سن جدید الولاده یا اینکه دو سه روز تفاوت
داشته باشد اگر باین نسبت پیدا نشد تا شش ماه هم اگر
بزرگتر باشد ضرری ندارد

از این مطلب بر می آید که چقدر خطا است که شیر دایه را
دو سال یا بیشتر بطفلی بدهند و پس از آنکه طفل را از شیر
گرفتند بعد شیر پیر شده را بطفل جدید الولاده بدهند
این شیر اسباب ضعف بنیهٔ طفل شده و همه وقت طفل را
در زحمت دارد

اگر بخواهید که طفل از اغلب سوء شکلها و از بیشتر
مرضها معاف باشد این مطلب را که ذکر نمودیم باید
منظور داشته والا آنچه میخواهید بی احتیاطی کنید

(۳) در باب شیر

در امتحان شیر نباید اکتفا باین کرد که فلان طبیب شیر را
دیده است و گفته است خوب است مخصوصاً بقول اطباء
بی سواد و بی تجربه که از هیچ خبر ندارند اعتماد نباید کرد
خیلی مشکل است امتحان شیر و اینکه شیر را بروی آئینه بریزند
و امتحان میکنند و حکم بدی و خوبی آنرا میدهند غلط
صرف است زیرا که از این عمل چیزی مفهوم نمیشود شیر را باید
اشخاص عالم با ذره بین امتحان کنند بلکه این امتحانهم کافی نیست
بهیچ کدام از این امتحانها نباید اعتماد کرد نه با امتحان نظری نه
با امتحان ذره بینی نه با امتحان شیمیائی بهترین امتحان کننده
شیر خود طفل است چند روزی باید که شیر را بطفل خورانید
اگر طفل قی نکرده و مبتلا باسهال نشده و وزنش کم نکند
بسیار خوب شیری است اطباء هرچه میخواهند بگویند
پس از آنکه تمام اینمطالب را که شرح دادیم امتحان نمودید
شیر هم حالت طفل را مغشوش نکرد دیگر نقصی در دایه و شیر نیست

بالجمال آسودگی طفل را بدایه که باین صفات آراسته است بسپارند

(در شرح) مطالبی که در شیر اثر کند

بطور یقین بعضی دفعات مادر در مقدار و صفات شیر اثر میکند

در چند هنگام نباید طفل را شیر داد

(۱) وقتی که غمگین یا خشمگین یا مغشوش الحال میباشید طفل را شیر ندهید در هیچ وقت آن شیر از برای طفل فایده ندارد بعلاوه اسباب زحمت طفل میشود کاهی تشنج دفع میشود واگر تشنج دفع شد باز اسباب خوش بختی است بسا اتفاق افتد که ضررهای دیگر میزند

(۲) وقتی که خسته شده باشید چه از کردن زیاد چه از جهت کارهای سخت

(۳) وقتی که تب داشته باشید هر قسم تب باشد تفاوت نکند زیرا که در هنگام تب حرارت شیر زیاد میشود بلکه شیر بخیه میشود در این صورت از برای هضم صلاحیت ندارد برای طفل مضر است

در این حالات که ذکر شد اگر مجبور شدید بشیر دادن طفل

اقلا شیر را در خارج بدوشید که مقدار اولش را بطفل نداده باشید بعد از آن بطفل شیر بدهید که ضررش کمتر باشد

(۴) بعضی از خانمها عادت بسیار بدی دارند که دایه های را نگاه میدارند و غذای کثیر التغذیه باو میدهند که آن دایه بیچاره بآن غذا عادت ندارد و این بسیار بد است

این ترتیب تغذیه بسیار بد است زیرا که خلاف عادت میشود بعوض اینکه در شیر دایه فایده کند چون خلاف عادت است ضرر میزند اگر بخواهند که شیر دایه خوب و فراوان باشد اورا از جهت غذا مختار نمایید تا بر حسب عادت خود تغذیه نماید و دایه نباید مجبور باشد بکار کردن و اورا نباید لابد کرد در خوردن غذاهای لذیذ و اورا نباید منع کرد از خوردن ترشی آلات غلیظ و ممتاز که در ایران درست میکنند

از قبیل شربت انگور فرنگی شربت تمشک شربت انار شربت
آبلیمو سکنجبین وغیره و آنها را از خوردن دوغ
لیموناد و میوه‌های فراوان بسیار اعلی نباید منع کرد
از نادانی و بی‌علمی است که بواسطه منع از این ترتیبات
اغلب یک نوع ضرر از برای دایه و طفل فراهم نمایند
اینجا باید فراهم کرد که دایه از عادت قدیم خود دور
نشود زیرا اگر دور شدن از عادت قدیم از برای او
ضرر دارد و برای طفل عوض فایده ضرر خواهد
داشت غذای او را بقدر کفایت طبیعی غذائی که قابل
است فراهم سازید نه اینکه او را مجبور کنید بخوردن
غذای معین بسا اتفاق افتاده است که از برای
اصلاح کردن همان عادت قدیم او را باید فراهم
سازند و این ترتیب برای اصلاح شیر بهترین
وسایط است و بدانید که در اغلب همان خوردن

جو و پیاز بدرجات ترشح در شیر بیشتر است کباب
گوشت بره و شیر گاو و تخم مرغها است
اما در مقدار شیر احتیاط مخصوصی لازم نیست
همان ترتیبی که در فوق شرح دادیم
کافی است ولی کلیة باید دانست که اغذیه
مایعه از قبیل آش آبگوشت شیر وغیره
مقدار شیر را زیاد کند

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب
علی ید الاقل الاحقر الکتاب
محمد علی بن حاج شمس الکتاب
فی سنه ۱۳۲۱

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
(ویژه کتاب)

قیمت کتاب

با جلد کاغذی

جلدی

یکهزار دینار است

۹۱۱
/۲
ن
۵۴
ن
/ت/
۱۳۲